

مژده به مشتریان بخش ویسترن یونین عزیزی بانک!

اگر از طریق ویسترن یونین پول ارسال یا دریافت می‌کنید، آن را از طریق عزیزی بانک اجرا کنید و برنده جایزه‌های نقدی و غیر نقدی شوید. در این برنامه برای شش‌هزار نفر جایزه داده می‌شود. این برنامه آغاز شده‌است و تا پایان ماه اکتوبر سال روان میلادی (۱۰ عقرب ۱۳۹۶) ادامه دارد. شاید یکی از برندگان شما باشید!



## تبادل نظر روی طرح

## «وفاق ملی» با حامد کرزی



احمدولی مسعود، طراح ایجاد دولت وحدت ملی در افغانستان، که اخیراً طرح وفاق ملی را ارائه کرده است، دیروز با حامد کرزی دیدار کرد و روی این طرح بحث و گفت‌وگو کرده است.

پیش از این حامد کرزی، رئیس‌جمهوری پیشین، نشست با احمد ولی مسعود در اقامت‌گاه او داشت و سپس از طرح وفاق ملی در سالروز شهادت قهرمان ملی حمایت کرد. در خبرنامه‌یی که در صفحه فیسبوک احمدولی مسعود به نشر رسیده آمده‌است که

با اعلام حمایت جناب حامد کرزی از پیام «وفاق ملی» در تالار لویه جرگه که به مناسبت شانزدهمین سالروز شهادت قهرمان ملی و هفته شهید راه‌اندازی گردیده بود و همچنین صحبت روی نگرانی‌های روزافزون کشور در منزل احمدولی مسعود، امروز یک هیأت ۱۲ نفره آجندای ملی، هریک آقایان احمد ولی مسعود، شاه مردان قل، داکتر عمیم‌الله امان سالنگی، جنرال عتیق‌الله امرخیل، داکتر فاروق بشر، قاضی مظفری، داکتر لطیف نظری، داکتر هاشم طاهری، فضل‌الرحمن اوریبا، میر حیدر مطهر و رئیس نورالله خان به دعوت چاشت جناب حامد کرزی به اقامتگاه شان حضور یافته در مورد مسایل کشوری، به خصوص راهبرد «وفاق ملی» منحصراً راه حل بحران کشور، تبادل نظر صورت گرفت.

در ادامه این خبر نامه آمده است که به اساس اعلامیه فراخوان آجندای ملی ۴ ثور ۱۳۹۶، کنفرانس مطبوعاتی اعلام طرح «وفاق ملی» ۱۶ اسد ۱۳۹۶ و اعلام حمایت از پیام وفاق ملی در هجدهم سنبله روز شهادت قهرمان ملی، هیأت در نظر دارد تا با نیروهای مختلف سیاسی که از راهبرد وفاق ملی حمایت خود را اعلام داشته‌اند و یا میدانند، حضوری ملاقات نموده، چارچوب وفاق ملی را توضیح بدهد.

## وزارت دفاع در واکنش به گزارش سیگار:

## با بیوه‌ها مثل عضو خانواده رفتار می‌شود



صفحه ۱

## پهلوهایی حمله بر حکمتیار در هرات

## حمله کننده بر حکمتیار، فرزند یک فرمانده حزب اسلامی هست

## اتحادیه ژورنالیستان:

## ۲۰ مورد خشونت علیه خبرنگاران در یک ماه ثبت شده است



سوی وزارت‌های دفاع ملی و داخله و ریاست عمومی امنیت ملی ایجاد خواهد شد.

به گفته آنان، این کمیته در گام نخست کارشویه‌یی را تهیه می‌کند که در صلاحیت‌های خبرنگاران و نیروهای امنیتی به گونه واضح تعریف می‌شود.

پرونده خشونت در برابر خبرنگاران که از سال‌های گذشته مانده‌اند نیز زیر بررسی قرار دارند.

مسئولان کمیسیون مشترک خبرنگاران و حکومت می‌گویند، برای جلوگیری از برخورد نادرست شماری از نیروهای امنیتی با خبرنگاران هنگام رویدادهای انتحاری و انفجاری، کمیته‌یی مشترکی از

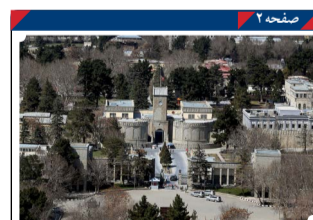
در یک ماه گذشته حدود ۲۰ رویداد خشونت در برابر خبرنگاران در مرکز و ولایت‌های کشور ثبت شده است. فهیم دشتی، عضو کمیسیون مشترک خبرنگاران و حکومت، دیروز در نشستی خبری در کابل گفت، این رویدادهای خشونت شامل ۲ رویداد بازداشت خبرنگاران در خوست، ۴ رویداد تهدید مستقیم در هلمند، ۱ رویداد سوءقصد و باقی‌مانده آن تهدید از طریق تلفون همراه و شبکه‌های مجازی می‌شوند.

آقای دشتی می‌گوید، در ۴ رویداد خبرنگاران در هلمند به گونه مستقیم از سوی هراس‌افکنان تهدید شده‌اند؛ اما در باره دیگر خبرنگاران که از سوی چه‌کسانی تهدید شده‌اند جزئیات نمی‌دهد.

به گفته آقای دشتی، برخی از این پرونده‌ها حل و فصل شده، برخی آن‌ها زیر بررسی قرار دارند و شماری هم به نهادهای عدلی و قضایی فرستاده شده‌اند و ۱۷۲



رئیس مجلس به دادستانی معرفی شود



با مخکشیم مبارزه باید کرد



کابل او دهلی د تروریزم په وړاندې گډ هدف لري



بررسی پرونده قوم‌گرایی در اداره امور را آغاز کردیم

احمد عمران



## سخن ماندگار

### اگر آقای غنی

### قومی نمی‌اندیشد....

به دنبال افشای یک طرح قوم‌گرایانه در اداره امور ریاست جمهوری، آقای غنی به دادستانی کل دستور داده است که این مسأله را مورد تحقیق قرار دهند. این در حالی صورت می‌گیرد که قوم‌اندیشی و حذف دیگران، یک سیاست برجسته در روش و منش دولت‌مداران طی سال‌های گذشته بوده است. چنان‌که هرگاه به یکی از اداره‌های دولتی سر بزنی، به‌سختی می‌توانی همه گروه‌های قومی را در آن اداره بیابی. از جمله همین مشکل در نهاد ریاست‌جمهوری نیز وجود دارد. وزارت‌های مالیه، مخبرات، اقوام و قبایل، دفاع ملی و چندین وزارت‌خانه دیگر نیز به چنین مرضی به‌شدت گرفتارند. امروزه همه نمادهای ملی کشور (پرچم، سرود، زبان و پول رسمی) به یک هویت خاص قومی گره خورده‌اند. امروز در ادارات رسمی افغانستان مردم نمی‌توانند از زبان مادری‌شان بدون هراس استفاده کنند. هنوز هم کلمه دانشگاه، پرونده، شهروند و راهبرد که همه کلمه‌های ناب فارسی دری اند، نزدیک به کفر قلمداد می‌شوند و این خود بزرگ‌ترین تبعیض نژادی را در دستگاه آقای غنی به نمایش می‌گذارد؛ چنان‌که هیچ کس در ارگ ریاست‌جمهوری نمی‌تواند کلمه دانشگاه را به کار ببرد.

این نگاه قومی، به یک سیاست کلان در کشور تبدیل شده است و حتا ذهن شخص رئیس‌جمهوری، ذهنی قوم‌گرا و حمایت‌کننده حرکت‌های قومی تلقی می‌شود. چنان‌که او بارها گفته است که باید خرده‌فرهنگ‌ها در فرهنگ کلان‌تر جابه‌جا و ادغام شوند؛ حرفی که هیچ منطقی آن را بر نمی‌تابد. برتری‌جویی، حالا با افشای یک راهنمای فاشیستی در ادارات مربوط ارگ آفتابی‌تر شده و در واقع، عمق فاجعه را به تصویر کشیده است.

این البته تنها طرح مورد نظر نیست. همواره اسنادی در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های کشور پخش شده است که مبین تک‌قومی‌سازی برخی از اداره‌هاست. همین اکنون که به کارنامه‌های دولتی زیر نام وحدت ملی نظر می‌کنیم، درمی‌یابیم که تنها دغدغه ارگ مسأله تمرکز قدرت به نفع یک قوم در ساختار سیاست است. البته نه به نفع همه اعضای آن یک قوم، بلکه به نفع حلقه محدود قوم‌گرای منسوب به آن که می‌خواهد احساسات این قوم را سکوی ستمگری خود بسازد. از آن‌جا که این عده هیچ حرف و طرح خاصی برای بهبود وضعیت افغانستان و مردم‌شان ندارند، فقط به فساد سیاسی و نفاق قومی دامن می‌زنند.

اگر آقای غنی به‌راستی در برابر آن سند نشر شده ناراحت است و از اعماق دل نمی‌خواهد که کشور به متجرب‌ترین بدبختی قومی سقوط کند، باید اصلاحات را از همان ارگ و اداره امور آغاز کند. زیرا امروزه نامی‌ترین افراد متعصب و قوم‌گرا در این نهادها قرار گرفته‌اند و از همان‌جا نقشه‌ها و افکار قومی‌شان را در سرتاسر افغانستان می‌پراکنند. پاک کردن ارگ و دیگر اداره‌های دولتی از وجود اشخاص برتری‌طلب و تفرقه‌افکن و نیز اصلاح ادارات بر اساس توازن قومی و شایسته‌سالاری ملی، عمده‌ترین راهکاری است که باید رییس‌جمهور غنی آن را طی کند تا ثابت شود که به‌راستی تفکر ملی و فراقومی در سر دارد. در ضمن باید تیغ سانسور را نیز از روی زبان مردم بردارد و اجازه دهد که مردم آزادانه به زبان مادری‌شان حرف بزنند. در غیر آن، معرفی کردن فردی که وظیفه‌اش را به‌درستی انجام نداده و سبب افشای یک برنامه قومی شده، به لوی سارنوالی کشور یا دادستانی کل، هیچ گرهی از کار فروخته عدالت اجتماعی در افغانستان نمی‌گشاید.

# با مخکشیم مبارزه باید کرد

**تعصب، برتری‌طلبی و علی‌القاعده قومی و زبانی، عامل اساسی ناکامی‌ها و عقب‌ماندگی تاریخی افغانستان و مردمانش است. از این رو برای قرار گرفتن در مسیر پیشرفت و آبادی، نیازمند خشکاندن باورها و تفکرات متعصبانه از نوع مخکشیم هستیم. چنین اقدامی مستلزم آگاهی عمیق و مبارزه صبورانه و مستمر است. باید مردم افغانستان و سیاست‌مداران مردمی، نیروهای‌شان را در این مسیر بسیج کرده و به کار اندازند**

دادستانی ارجاع داده تا آب‌ها از آسیاب بیفتند و جو عمومی از این قضیه به قضایای تازه‌تر گذار کند. حتا این امکان وجود دارد که چندی بعد، پس از افتادن آب‌ها از آسیاب، مخکش در یک موقعیت خوب دیگر وارد چرخه سیاست شود. آیا قانون در مورد ضیا امرخیل رییس پیشین دبیرخانه کمیسیون انتخابات کاری انجام داد که حالا در مورد مخکش انجام دهد؟

تفاوت چندانی میان آقای امرخیل و مخکش وجود ندارد. هر دوی آن‌ها محصل یک مکتب فکری اند و وظایفی شبیه به هم اجرا کرده‌اند. آیا حکومت در مورد فاروق وردک وزیر پیشین معارف کشور با آن اختلاس‌های کلان کاری کرده توانست که حالا در برابر مخکش کاری کند؟

آقای مخکش بخش دیگری از برنامه‌های آقای وردک است و به گونه‌ی فعالیت‌های او را در یک جای دیگر ادامه می‌داده است. حالا زمان فکر کردن به مخکش نیست، چون او همچنان وجود خواهد داشت، ولی باید جلو مخکشیم را گرفت. تا زمانی که تفکر مخکش وجود دارد، همواره مخکش‌های نو پیدا می‌شوند و دستورالعمل‌های تازه‌تر می‌نویسند؛ ولی اگر توانستیم مخکشیم را بخشکانیم، مطمئن باشیم که برای آبادی و پیشرفت افغانستان خیزی بلند و تاریخی برداشته‌ایم.

تعصب، برتری‌طلبی و علی‌القاعده قومی و زبانی، عامل اساسی ناکامی‌ها و عقب‌ماندگی تاریخی افغانستان و مردمانش است. از این رو برای قرار گرفتن در مسیر پیشرفت و آبادی، نیازمند خشکاندن باورها و تفکرات متعصبانه از نوع مخکشیم هستیم. چنین اقدامی مستلزم آگاهی عمیق و مبارزه صبورانه و مستمر است. باید مردم افغانستان و سیاست‌مداران مردمی، نیروهای‌شان را در این مسیر بسیج کرده و به کار اندازند.

ندارد. آقای غنی برای سرپوش گذاشتن بر موضوع آقای مخکش و رهایی او از منجلائی که در آن فرو رفته، به نهادهای عدلی و قضایی دستور داده که قضیه را دنبال کنند، اما در واقعیت به این نهادها گفته است که مواظب آقای مخکش باشید تا آسیبی به او و برنامه‌های قوم‌گرایانه ریاست جمهوری وارد نشود. آقای غنی نگران وضعیت مخکش نیست، او به ساده‌گی می‌تواند مخکش را به قربانگاه ببرد، چون او وظیفه‌اش را به‌خوبی اجرا نکرده است. اما آقای غنی نگران چیز دیگری است و آن برملا شدن برنامه کلان قومی‌اش است. آقای غنی از این می‌ترسد که در ادامه افشاح آقای مخکش، برخی‌ها که به اصطلاح چوب لای چرخ می‌گذارند و مزاحمت خلق می‌کنند، سند‌های دیگری را افشا کنند.

آقای غنی از این می‌ترسد که نام‌ها و چهره‌های دیگری، از شبکه پاک‌سازی قومی او برملا شوند و برنامه‌ی او که او با خون دل تدوین کرده و سال‌ها برای آن عرق ریخته است، نقش بر آب شود. آقای غنی جزئیات قضایا را به‌خوبی می‌داند و برای همین نیز افرادی چون مخکش را در اطراف خود استخدام کرده است. اگر کسی می‌خواهد برنامه‌های قوم‌گرایانه ارگ را بداند، نیازی نیست که در فلان دانشگاه جهان دکترا بگیرد و باز بیاید در مورد این سیاست تحقیق کند. هر کسی که قدری فهم و شعور داشته باشد، به محض وارد شدن به محدوده ارگ ریاست جمهوری، هوای قوم‌گرایی و رفتارهای تبعیض‌آمیز را استشمام می‌کند. حالا آقای غنی که خود سردمدار این برنامه‌هاست، چگونه رضایت می‌دهد که مخکش مورد پیگیری قانونی قرار گیرد؟ آیا کسی علیه خودش عریضه می‌کند؟

فرستادن مخکش به دادستانی به معنای این است که آقای غنی علیه خود عریضه کرده باشد. از این رو آقای غنی برای محافظت از مخکش و برنامه‌های کلان خود، او را با سفارش‌های لازم به

در گذشته هرگاه ارگ ریاست‌جمهوری به قوم‌گرایی و رفتارهای تبعیض‌آمیز در نهادهای دولتی متهم می‌شد، فوراً سخنگویان آقای غنی آستین بالا می‌زدند و تا می‌توانستند، اتهام‌ها را رد می‌کردند و به خود افراد و نهادهای منتقد رجعت می‌دادند. استدلال آن‌ها نیز این بود که نمی‌شود بدون سند و مدرک مقام‌های کشور را به رفتارهای زشتی چون قوم‌گرایی که کاملاً دامن‌شان از آن مبرا است، متهم کرد.

اما حالا که تحت رسوایی مخکش از بام افتاده، چه می‌خواهند بگویند؟ آیا باز هم به نظر آن‌ها، یک تعداد علیه ارگ در پی توطیه و دسیسه‌چینی اند؟ آیا راهنمای قوم‌گرایانه مخکش بخش کوچکی از یک سیاست کلان نمی‌تواند باشد که حالا به هر صورتی، آفتابی شده است؟ آیا درست نیست که می‌گویند: «تا نباشد چیزی، مردم نگویند چیزها»؟ البته بحث قوم‌گرایی در ریاست‌جمهوری کشور و در کل در بسیاری از نهادهای دولتی و غیردولتی افغانستان، از «چیزکی» گذشته، بلکه خود «چیزها» است که هرازگاهی از آن چیزکی گفته می‌شود و با چون مورد مخکش، سندی کوچک لو می‌رود.

رییس‌جمهور غنی که در هنگام درز کردن سند آقای مخکش در نیویارک برای شرکت در هفتاد و دومین نشست سازمان ملل متحد حضور داشت، طی اعلامیه مطبوعاتی هدایت داده که موضوع آقای مخکش از طریق نهادهای عدلی و قضایی کشور مورد پی‌گیری قرار گیرد. در اعلامیه ریاست جمهوری، از قول آقای غنی «رفتار، فکر و عملکرد تبعیض‌آمیز» در تمامی بخش‌ها به ویژه در داخل دستگاه دولتی «شدیدا محکوم» شده و گفته شده که به هیچ فرد یا نهادی اجازه داده نمی‌شود که وحدت ملی مردم افغانستان را خدشه‌دار کند.

صادر کردن دستور برای پیگیری موضوع آقای مخکش هیچ نتیجه‌ی در پی نخواهد داشت؛ زیرا هیچ نهادی در کشور قدرت پی‌گیری این‌گونه قضایا را

اعضای مجلس:

# رییس مجلس به دادستانی معرفی شود

روح الله بهزاد



شماری از اعضای مجلس نماینده‌گان در نشست عمومی دیروز این مجلس گفتند، وظیفه عبدالرووف ابراهیمی، رییس مجلس تعلیق و پرونده‌اش به دادستانی کل فرستاده شود.

اما شمار دیگر اعضای این مجلس تأکید داشتند که آقای ابراهیمی باید تا پایان بررسی‌های دادستانی به وظیفه‌اش ادامه دهد.

اعضای مجلس هم‌چنان گفتند که قرار است ۱۲ نامزد وزیر روز یکشنبه برای گرفتن رأی اعتماد رسماً به مجلس نماینده‌گان معرفی شوند.

اختلاس پول مجلس

نظر نصرت، رییس دبیرخانه مجلس و عبدالرووف ابراهیمی چهره‌های اصلی این برنامه‌اند.

نامزد وزیران فردا معرفی می‌شوند.

در عین حال، منشی مجلس نماینده‌گان دیروز گفت که قرار است ۱۲ نامزد وزیر فردا برای گرفتن رأی اعتماد رسماً به این مجلس معرفی گردند.

عرفان‌الله عرفان، نایب منشی مجلس گفت که نامزدان وزیران از سوی محمد سرور دانش، معاون دوم ریاست حکومت وحدت ملی معرفی خواهند شد.

او افزود: «دو تن که جدیداً به عنوان نامزد وزیران زراعت و احیا و انکشاف دهات اعلان شده‌اند، با ده نامزد وزیر قبلی از سوی معاون ریاست جمهوری به مجلس نماینده‌گان معرفی می‌شوند و به تمام‌شان یک‌جا بعد از استماع برنامه‌های کاری‌شان در یک هفته یا نهایت در ده روز می‌آیند به پارلمان و برای‌شان صندوق گذاشته می‌شود».

براساس احکام جداگانه محمد اشرف غنی، رییس حکومت وحدت ملی، نصیر احمد درانی، وزیر احیا و انکشاف دهات به روز پنجشنبه هفته گذشته به عنوان نامزد وزیر زراعت و مجیب‌الرحمن کریمی به حیث نامزد وزارت احیا و انکشاف دهات معرفی شدند.

پیش از این طارق شاه بهرامی، ویس احمد برمک و عبداللطیف روشان به عنوان نامزد وزیران وزارت‌های دفاع، داخله و تحصیلات عالی و یما یاری، فیض‌الله ذکی و مصطفی مستور به حیث نامزد وزیران فواید عامه، کار و امور اجتماعی و اقتصاد معرفی شده بودند.

به همین ترتیب، حمید طهماسی به عنوان نامزد وزیر ترانسپورت، شهزاد گل آریویی به حیث نامزد وزیر مخابرات، گل آغا شیرزوی به حیث نامزد وزیر امور سرحدات، اقوام و قبایل و نرگس نهان، به عنوان نامزد وزیر معادن و پترولیم معرفی شده‌اند.

بلکه براساس مصلحت سیاسی از طرف یک حزب خاص وارد پارلمان گردیده است و حالا که پرونده فسادش فاش شده است، باید از ریاست مجلس کنار زده شود.

این نماینده مجلس گفت هم‌چنان بیان داشت که دادستانی کل باید رییس مجلس را احضار کرده و پروسه تحقیق را در خصوص این پرونده آغاز کند.

در سویی دیگر، رمضان بشردوست عضو دیگر مجلس بر این باور است، تا زمانی که آقای ابراهیمی در کرسی‌اش باقی بماند، دادستانی کل نیز در ارتباط با او کاری کرده نمی‌تواند.

آقای بشردوست اضافه کرد: «اگر واقعاً ما اراده‌ی برای کار و خدمت‌گذاری برای مردم داریم و تنها شعار نمی‌دهیم، من پیشنهاد می‌کنم که به اساس قانون اساسی، رییس مجلس مورد تعقیب عدلی و قضایی قرار گیرد».

اما شماری از اعضای دیگر مجلس می‌گویند، تا زمانی که پرونده آقای ابراهیمی از سوی دادستانی کل بررسی و نتیجه آن اعلام نگردیده است، او باید به ریاستش از مجلس نماینده‌گان ادامه دهد.

غلام فاروق مجروح، نماینده مردم هرات در مجلس گفت که هنوز حقیقت و دروغ این مسأله مشخص نیست و باید نخست در زمینه این اتهام‌ها بررسی صورت گیرد و به دنبال آن، برخورد صورت گیرد.

هم‌چنان عبدالرحیم ایوبی، عضو دیگر مجلس بر این باور است که علیه رییس پارلمان در تلویزیون‌ها اعلانات تجارستی می‌شود و این بی‌رحمی است که خانه ملت و رییسش به فساد متهم می‌گردند.

گفتنی است که گزارش تحقیقی شبکه طلوع نیوز نشان می‌دهد که در پنج سال، پنجاه میلیون افغانی صرف کرایه خانه و دفتر رییس مجلس نماینده‌گان در بیرون از ساختمان شورای ملی شده است که خدای

## پهلوی‌های حمله بر حکمتیار در هرات

# حمله‌کننده بر حکمتیار، فرزند یک فرمانده حزب اسلامی هست

روح الله بهزاد



فردی در جریان نماز جمعه در هرات به سوی گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی، کفش‌هایش را پرتاب کرد. آقای حکمتیار در نماز جمعه (۳۱ سنبله) در مسجد جامع هرات حضور داشت و در وقت خواندن خطبه، یکی از نمازگزاران به سوی او کفش پرتاب کرد.

منابع به روزنامه ماندگار می‌گویند، به دنبال این رویداد، محافظان آقای حکمتیار این فرد را محاصره کرده و به شدت لت و کوب کردند.

اداره امنیت ملی نیز آن مرد را به اتهام پرتاب کفش به سوی گلبدین حکمتیار بازداشت کرده است.

از روز جمعه به این سو در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی افراد و اشخاص زیادی در این زمینه سخن گفتند. عده‌ی رفتار جوان هراتی را نکوهش کردند و عده‌ی هم استقبالی.

در این میان، پرسشی که به میان می‌آید، این است که این فرد کی بود و چرا دست به چنین کاری زد؟ منابع به روزنامه ماندگار می‌گویند، جوانی که کفش‌هایش را به سوی حکمتیار پرتاب کرد، عبدالواحد دانشانی نام دارد و پسر یکی از فرماندهان پیشین حزب اسلامی می‌باشد.

به گفته آنان: عبدالواحد دانشانی، فرزند سید عبدالجلیل دانشانی، عضو حزب اسلامی در هرات است. جلیل دانشانی، اکنون در بستر بیماری به سر می‌برد اما پسر این فرمانده حزب اسلامی حکمتیار، اکنون منتقد عملکردهای گلبدین حکمتیار شده است و خواسته است با پرتاب کفش به سوی حکمتیار واکنشش را نشان بدهد.»

**تغییر اجتماعی**

حمله پسر یکی از اعضای حزب اسلامی به گلبدین حکمتیار، رهبر این حزب یک واقعه غیر قابل انکار و آفتابی و بیش از پیش روشن می‌سازد و آن این‌که جوان آگاه افغانستانی امروز مستقلانه و فارغ

از هرگونه غرض و مرض به تاریخ و به پدیده‌های اطرافش نگاه می‌کند.

این قضیه نشان می‌دهد که یک تغییر بسیار بزرگ اجتماعی در سطح جامعه به ویژه در سطح طبقه جوان و دانش‌آموخته کشور به وجود آمده است.

دیده می‌شود که بسیاری از فرزندان اعضای حزب اسلامی باور پدران‌شان را نسبت به حزب اسلامی و به ویژه شخص گلبدین حکمتیار ندارند.

در گذشته رسم بر این بود که فرزندان سیاستمداران و فرماندهان جهادی، بنا بر تعلقات ستمی، قومی، ایدئولوژیک و یا هم مناسبت‌های خانواده‌گی، ناآگاهانه خط و نشان پدران‌شان را تعقیب می‌کردند و کسی به خود زحمت نمی‌داد فکر کند که پدر و گذشته‌گانش در موقف مثبت قرار داشتند/دارند و یا منفی، اما خوشبختانه دیده می‌شود که این باور دارد تغییر می‌کند.

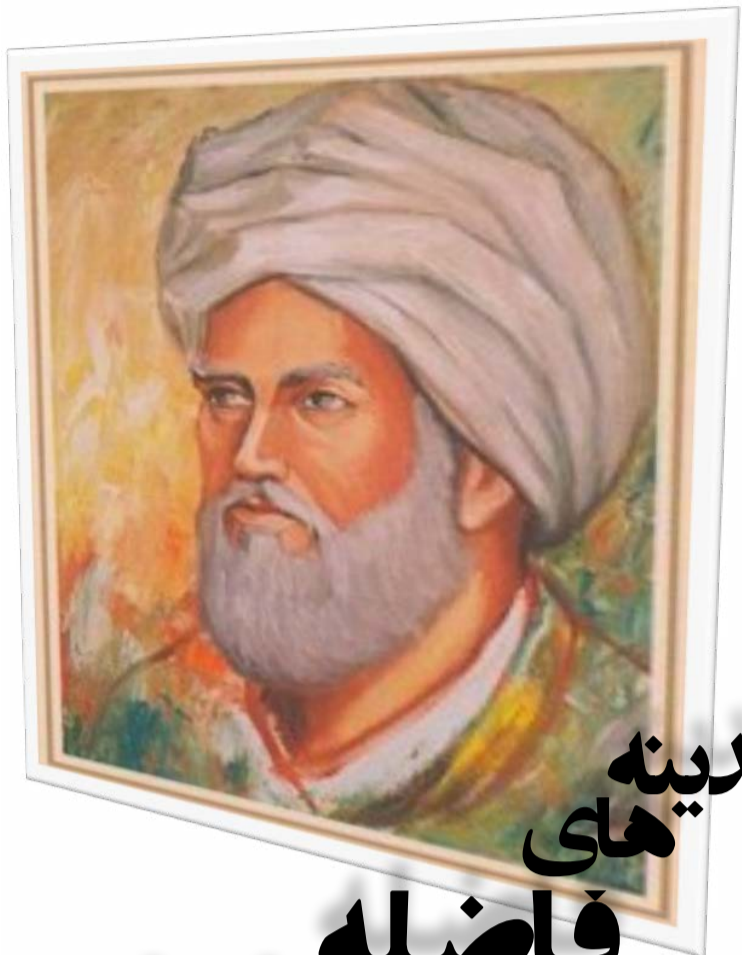
پیش از این نیز باورها بر این بود، زمانی که گلبدین حکمتیار وارد افغانستان شود، فرزندان کسانی که عضو حزب اسلامی بودند، وارد این حزب شده و به کارزار سیاسی می‌پردازند و حزب اسلامی صاحب نفوذ می‌شود، اما حوادث و اتفاقات اخیر نشان می‌دهد که این معادله کاملاً برعکس شده و تا هنوز حتی یک مورد هم دیده نشده است که فرزند یکی از اعضای حزب اسلامی، به جز نزدیکان آقای حکمتیار، حمایتش را از گلبدین حکمتیار اعلام کرده باشد.

گفته‌ها و تحرکات اخیر گلبدین حکمتیار شماری از چهره‌های با نفوذ و شناخته‌شده این حزب را نیز از او دور کرده است. گفته می‌شود برخی از کادرهای حزب اسلامی که در سال‌های پسین و به ویژه در دوره حکومت وحدت ملی تلاش کردند تا زمینه پیوستن آقای حکمتیار را به روند صلح آماده سازند، این روزها ناراض اند و در جلسه‌هایی که او برگزار می‌کند، سهم نمی‌گیرند.

**کارزار خریداری کفش**

لحظاتی بعد از حادثه پرتاب کفش به سوی حکمتیار در هرات، هزاران تن از شهروندان در صفحات اجتماعی آغاز به طنزنویسی کردند و در کارزاری، خواستار خریداری کفش پرتاب شده به سوی حکمتیار شدند. شهروندان تا یک میلیون دالر امریکایی گویا حاضر به خرید این کفش شدند! عده‌ی هم تصاویری را به نشر سپردند که در آن، عکس آقای حکمتیار به واسطه کمپیوتر حک شده بود. شماری هم عکس آقای حکمتیار را با عکس موترهایی با شکل بوت، دیزاین کرده نشر کردند. منتقدان حکمتیار می‌گویند که آقای حکمتیار خساره زبان زشت و تفرقه‌براننداز خود را می‌پردازد و این، اوج ذلت و خواری برای یک رهبر سیاسی است. گفتنی است که به دنبال ورود رهبر حزب اسلامی به هرات، شماری از فعالان مدنی و مخالفان او دست





مدینه های

# فاضله و جاهله نزد فارابی

بخش پنجم

(و جامعه حریت (جماعیه). این جامعه که جامعه اشترایی یا احرار نیز نامیده می‌شود، جامعه‌یی است که همه انسان‌ها در آن رها و آزادند تا هرچه می‌خواهند، انجام دهند. مردم این جامعه، با یکدیگر برابرند و راه و روش آنان این است که هیچ‌کس بر دیگران، در هیچ چیز برتری ندارد و هیچ‌یک از آنان بر دیگر افراد جامعه خود یا دیگر جوامع حاکمیتی ندارد، مگر آن‌که آزادی دیگری را از بین ببرد. به دلایل گذشته، در بین افراد این جامعه خلق و خوی‌ها، اهتمام‌ها و خواست‌های فراوان و التذاذ به امور بی‌شماری وجود دارد. افراد جامعه آزاد، گروه‌هایی بسیارند که گاه متشابه و گاه متباين هستند. در این جامعه، همه آن‌چه در مجموع جوامع دیگر به صورت پراکنده وجود داشت، مشاهده می‌شود. کسانی که در موقعیت ریاست جامعه نیستند، بر رؤسا تسلط دارند و رییس تابع اراده و درخواست مردم است. جامعه حریت، جامعه‌یی خوشایند و خوش‌بخت در نظر جوامع جاهلی دیگر است؛ زیرا در ظاهر مثل لباس نقاشی شده یا رنگ‌های گوناگون است؛ از این رو نزد همه دوست‌داشتنی است و همه‌گان خواهان سکونت در آن هستند؛ چون در آن جامعه به امیال خود می‌رسند. به همین دلیل، ملت‌ها به سوی آن سیر می‌کنند تا در آن سکونت گزینند، و وسعت بی‌رویه و بی‌حساب می‌یابند. در این جامعه، کودکان از پدر و مادرهای مختلف و با سرشت‌های مختلف به دنیا می‌آیند، که در تربیت آن‌ها مؤثر است. این جامعه، متشکل از اجتماعات بسیاری است که از یکدیگر قابل تمیز نیستند، بلکه در یکدیگر متداخل و افراد بعضی درون افراد دیگری پراکنده‌اند. در این جامعه

شاهد فرهنگ‌های گوناگون و حتا متضاد هستیم و به همین دلیل، امکان دارد افرادی برای تشکیل جامعه فاضله برگرفته شوند و این بهترین رخدادی است که ممکن است در آن پدید آید. (۳۸) رییس جامعه اشترایی کسی می‌تواند باشد که در رساندن مردم جامعه اشترایی به خواست‌های مختلف و متنوع آن‌ها و نگرهبانی از آن‌ها در برابر دشمنان‌شان خوش‌فکر و چاره‌اندیش باشد و از اموال آنان جز به مقدار ضروری بهره نگیرد. ولی آنان فاضلی را که در واقع صلاحیت ریاست دارد و آنان را به سوی سعادت حقیقی هدایت می‌کند، رییس خود قرار نمی‌دهند و اگر اتفاقاً چنین فردی رییس شود، در فاصله اندکی خلع شده، کشته می‌شود یا ریاستش متزلزل و آشفته خواهد بود. (۳۹)

## ۲. جامعه فاسقه

جامعه فاسقه، جامعه‌یی است که مردم آن به اصول فاضله اعتقاد دارند (۴۰) و به نوعی آن را تصور کرده‌اند، سعادت را نیز در قوه خیالی خود تصور کرده‌اند و به آن اعتقاد دارند و به افعالی که باعث رسیدن به سعادت است، راهنمایی و ارشاد شده‌اند و آن‌ها را می‌شناسند و به آن‌ها اعتقاد دارند، ولی به هیچ‌یک از آن افعال عمل نمی‌کنند و با اراده خود و طبق خواست‌های نفسانی به هدف‌های جاهلی، یعنی منزلت، کرامت یا غلبه تمایل پیدا کرده، همه اعمال و نیروهای خود را به طرف آن اهداف نشانه می‌گیرند. به همین دلیل، این جامعه به سوی یکی از جوامع جاهله سوق داده می‌شود و به این لحاظ، می‌توان آن را نوعی جامعه مبذله به شمار آورد.

انواع جامعه فاسقه با تعداد جوامع جاهلی مساوی است، چون اعمال و اخلاق‌شان عیناً اعمال و

اخلاق جاهلی است و فقط در آرا و معتقدات با مردم جاهلی فرق می‌کنند. در نتیجه، به هیچ وجه فردی از افراد این جوامع به سعادت نایل نمی‌شود. (۴۱)

## ۳. جامعه ضاله

جامعه‌یی است که برای مردم آن، اموری دیگر غیر از اصول فاضله بیان شده است، یعنی اصول وضع شده برای آنان غیر از اصول فاضله است و سعادت تعریف شده برای آنان غیر از سعادت حقیقی است و اعمال و آرای وضع شده، آنان را به سعادت حقیقی نمی‌رساند. (۴۲) رییس چنین جامعه‌یی، با آن‌که فاقد فضیلت و حکمت است، خود و افراد تحت ریاستش گمان می‌کنند که دارای حکمت و فضیلت است و باین‌رنگ و فریب و ظاهرسازی چنین می‌نماید که به او وحی می‌شود.

## ۴. جامعه مبذله یا متبدله

جامعه‌یی است که در گذشته جامعه فاضله بوده است، ولی دگرگون شده و رفتار و اندیشه‌هایی غیر از جامعه فاضله در آن رخنه کرده و به جامعه غیرفاضله تغییر هویت داده است. (۴۳) بنابراین، مبذله وصف جوامعی است که از جامعه فاضله به جامعه‌یی دیگر تبدیل می‌شوند، نه این‌که خود جامعه‌یی برآسه باشد. به همین دلیل، فارابی در کتاب السیاسة المدنیة از آن نام نمی‌برد و در فصل بیست‌ونهم از آراء اهل المدینه الفاضله، آن را در عرض جامعه جاهلی مطرح می‌کند، ولی در فصل سی‌وهفتم کتاب آن را یکی از اقسام جامعه جاهلی دانسته است. (۴۴)

رگه‌های اندیشه فارابی در نظریات دانشمندان غرب زمانی که ترجمه آثار فارابی به

لاتین و دیگر زبان‌های اروپایی آغاز شد، علمای مغرب‌زمین با افکار وی آشنا شدند. آثار فارابی در قرن چهارم و پنجم هـ قمری به طور وسیعی در شرق نشر یافت و به غرب رسید و در آن‌جا برخی از علمای اندلس از او پیروی کردند. (۴۵) برخی از نوشته‌های او به زبان عبری و لاتینی ترجمه شد و در فلسفه اسکولاستیک یهودی و مسیحی تأثیر گذاشت. آثار مزبور در دهه‌های آخر قرن سیزدهم منتشر و به زبان‌های زنده اروپایی ترجمه شد. (۴۶)

فارابی در مورد جامعه جاهله و باورداشت‌ها و ارزش‌های آنان مطالبی را مطرح کرده، که مشابه آن در آرای فلاسفه و دانشمندان علوم اجتماعی غرب دیده می‌شود؛ به عنوان مثال می‌توان رگه‌هایی از نظریه‌های «انسان‌ها گرگ یکدیگرند»، «میشاق اجتماعی»، «روابط خانواده‌گی» و «داروینیسیم اجتماعی» را که به ترتیب هابز، روسو، هیوم و گامپلویچ مطرح کرده‌اند، در عبارات فارابی جست‌وجو کرد.

یکی از نظریه‌پردازان غرب، فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم میلادی، توماس هابز است. وی بر این باور است تا زمانی که آدمیان سر به فرمان قدرت مشترکی نهند، در وضع جنگ به سر می‌برند. لذا دست‌یابی به صلح و تمدن، تنها از راه برپا داشتن جامعه و بنیان نهادن حکومت میسر است. معنای این سخن آن است که تعداد کثیری از افراد باید تمام اختیار و قدرت‌شان را به یک مرد انجمنی از مردان واگذارند، تا همه اراده‌های ناشی از کثرت آرای‌شان را به اراده واحد مبدل گردانند. (۴۷) بدین ترتیب، طبیعت بشر جنگ همه بر ضد همه است و تشکیل جامعه در گرو توافق و قرارداد انسان‌هاست، که امری مصنوعی است نه طبیعی. پس از هابز، که معتقد بود انسان‌ها با یکدیگر دشمن‌اند، جان لاک حالت طبیعی انسان را صلح‌طلبی می‌دانست. او می‌گفت در این وضعیت، انسان‌ها به مقتضای عقل در کنار هم می‌زیند، بی‌آن‌که سالار مشترکی با اختیار داوری میان ایشان در زمین باشد. عقل به همه می‌آموزد که همه برابر و مستقل‌اند و هیچ‌کس نباید گزندی به جان، سلامت، آزادی و مال کسی بزند.

پس از آن، ژان ژاک روسو، وضع طبیعی انسان را حالت توخس و تبعیت از غریزه و وجدان می‌داند و می‌گوید زنده‌گی اجتماعی و تمدن، معلول قرارداد اجتماعی است. از این رو، این توافق و به تعبیر وی «قرارداد اجتماعی» موجبات تشکیل حکومت و بقای انسان و تمدن را فراهم می‌سازد. هفت قرن قبل از هابز، فارابی در بیان آرای جامعه جاهلی، با ارایه دیدگاهی کاملاً مشابه با دیدگاه هابز و روسو می‌نویسد: گروهی بر این باورند که هیچ دوستی و ارتباطی بین انسان‌ها، نه به صورت ارادی، وجود ندارد و سزاوار است هر کسی دشمن هر کس باشد و هر فردی از دیگران بیزار باشد. (۴۸) وی هم‌چنین در همین زمینه می‌گوید: گروهی ارتباط اجتماعی را این‌گونه می‌دانند که انسان‌ها به موجب یک قرارداد، برای این‌که گذشت داشته باشند و با دیگران دشمنی و نزاع نکنند و در جنگ و دفاع از هجوم دشمن متحد باشند، گرد هم می‌آیند و هم‌پیمان می‌شوند. (۴۹)

بخش هفتاد و نهم

## پاره‌های پیوسته

خاطراتی از رحمت الله بیگانه

فورم اصلاحات

پس از سبک‌دوشی‌ام از ریاست رادیو تلویزیون معارف در سال ۱۳۸۶، با همکاران خود در رادیو آموزگار مصروف شدم و دیگر به کار دولتی فکر نکردم.

اما در اواخر حکومت حامد کززی، بر اثر تشویق دوستانم خواستم فورم کاربایی از کمیسیون اصلاحات اداری بگیرم. وقتی همراه با میر نظام‌الدین فضلی یک‌تن از همکاران رادیو آموزگار، به دروازه معلومات اصلاحات اداری رفتم، درب آهنی برای پرسش باز شد و جوانی که فورم توزیع می‌کرد، برخلاف معمول در ادارات دولتی، به بسیار ادب و مهربانی با من برخورد کرد و پرسید: «استاد مرا نشناختی؟»

گفتم: نی به‌خدا، فراموشم شده، ببخشید! او گفت: خودت مرا به این جایگاه رساندی. تعجب کردم و با خود گفتم این آدم اشتباه کرده است، من چه‌کاره که این آدم را به این‌جا رسانده باشم!

به من گفت: «خوب بین استاد، نشناختی؟ من همان طفلی استم که در سال ۱۳۷۴ در منطقه فروشگاه کابل موترها را پاک می‌کردم و تو دستم را گرفتی و گفتی: خوش داری روزنامه بفروشی؟»

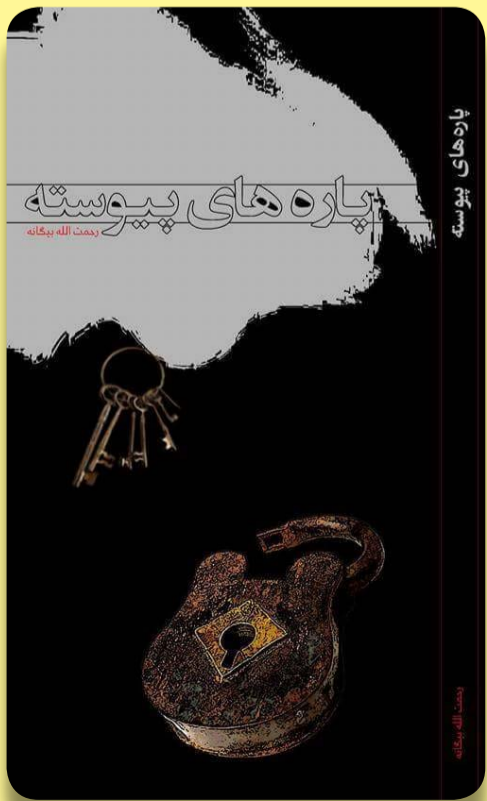
من در پاسخ شما گفتم: بلی، ولی از کجا بگیرم روزنامه را؟

تو مرا به دفتر روزنامه واقع کلوله‌پشته بردی و به تعداد یکصد و پنجاه شماره روزنامه «دریچ» را به من دادی و گفتی: فردا بیا، باز برای تو روزنامه می‌دهم.

خلاصه برایم خیلی مهربانی کردی، حتا پول فروش روزنامه‌ها را از من نگرفتی. همان بود که من بار دیگر تشویق شدم به مکتب بروم و درس بخوانم و به تحصیلات عالی ادامه دهم. چند ماه بعد از آن حادثه، طالبان آمدند و ما به پاکستان مهاجر شدیم. آن‌جا کورس‌های انگلیسی را تعقیب کرده و بعداً در کابل دوره لیسانس و ماستری را سپری کردم و اکنون در اداره اصلاحات اداری و خدمات ملکی وظیفه دارم.»

واقعاً بسیار خوش شدم از این‌که توانسته بودم - ولو در عالم بی‌خبری و ناشناسی - دست جوانی را گرفته و باعث پیشرفتش شوم.

هرچند من آن فورم‌ها را خانه‌پری نکرده و واپس نبردم، اما این حادثه که در اواخر سال ۱۳۹۳ اتفاق افتاد، بسیار برایم شیرین و لذت‌بخش تمام شد.



مولانا مودودی پس از بیان دگرگونی خلافت راشد به پادشاهی و سلطنت و تبیین فرق‌های اساسی پادشاهی و خلافت، می‌گوید: امروزه کسانی که نظریه سیاسی اسلام را بررسی می‌کنند، دو نوع نظام سیاسی در اسلام مشاهده می‌کنند: خلافت و سلطنت. سپس فرق‌های آشکار آن دو در مبادی، اسلوب و مقاصد را می‌نگرند؛ با این حال مشاهده می‌کنند که مسلمانان از نظام سیاسی ملوکیت هم مانند خلافت راشد، اطاعت و پیروی می‌کنند؛ از این‌رو این پرسش برای‌شان مطرح می‌شود که چرا مسلمانان این‌گونه رفتار کرده‌اند.

# اندیشه‌های مولانا ابوالاعلی مودودی

نصیر عبدالرحمن

بخش سوم

ابوالاعلی معتقد است برای تجدید و احیای دین، صرفاً احیای علوم دینی و زنده‌سازی روح پیروی از شرع کافی نیست؛ بلکه نیاز به یک حرکت و جنبش فراگیر اسلامی است که بر همه علوم، افکار و صنایع و تمام ابعاد زنده‌گی تأثیرگذار باشد، و آن مهم، به نیروی اجتهادی تازه‌ی نیاز دارد؛ از این‌رو خود او در جهت احیای اجتهاد اسلامی - علاوه بر مبارزه با روحیه جمودگرایی و تقلید، و علاوه بر ترویج و احیای ضرورت روحیه اجتهاد - عملاً وارد حوزه اجتهاد و نظریه‌پردازی شده است.

### جهاد اسلامی

از دیدگاه ابوالاعلی مودودی، دعوت اسلام با تکیه بر عقیده بنیادی «توحید»، عامل جنبش اجتماعی سازنده‌ی بود که در مرحله اول، کسوت الوهیت را از تن کسانی که با انواع حیل‌ها و توطیه‌ها مردم را به بردگی کشیده‌اند، بیرون کرد و در مرحله دوم نظام حکومت الهی را در جامعه انسانی برپا ساخت. اسلام، تفکر و نظامی انقلابی است که هدفش، «درهم ریختن نظام‌های فاسد حاکم و ایجاد شالوده نظامی عادل و مترقی است» و هدف نهایی‌اش، مبارزه با جامعه جاهلی، از بین بردن سلطه انسان بر انسان، تشکیل جامعه توحیدی و برپایی حکومت مطلق خداوند یگانه در همه عالم است؛ از این‌رو فریضه‌ی به نام «جهاد» برای رسیدن به این اهداف مقدس در تعالیم اسلامی تعبیه شده است.

بنابراین از نظر مودودی، جهاد، در حقیقت مبارزه‌ی انقلابی با عوامل ضدانقلاب است که مانع رسیدن به اهداف عالی اسلام هستند. به عبارت دیگر، «جهاد، کوششی است مستمر و مبارزه‌ی است پیگیر در طریق تأمین نظام حق». به زعم مولانا مودودی، مسلمانان باید پس از ایمان آوردن به حقانیت اسلام، تمام تلاش خود را در راه استقرار آن به کار گیرند؛ چه آن‌که مسلمان واقعی نمی‌تواند شاهد حاکمیت و برپایی نظام جاهلیت باشد، و اگر راضی بر آن باشد، در حقیقت مؤمن نیست، اگرچه با خضوع و خشوع کامل نماز بخواند و روزه بگیرد.

مودودی معتقد است خلافت اسلامی به پادشاهی دگرگون شد و به مرور زمان، برخی از مظاهر نظام جاهلی جان گرفت و با ظواهر اسلامی پیوند خورد؛ به حدی که مقابله با آن همواره از مقابله با جاهلیت عربیان، هزاران مرتبه سخت‌تر شد؛ بدین جهت مبارزه با مظاهر جاهلیت در جوامع اسلامی و در میان مسلمانان را با جهاد فرهنگی و انقلاب فکری و اخلاقی، امکان‌پذیر می‌دانست و بر اهمیت و لزوم تجدید دین به وسیله

به همین سبب ایشان به مسأله پیروی نکردن از نظام سیاسی پادشاهی در قالب بررسی اندیشه سیاسی و فقه ابوحنیفه و ابویوسف پرداخته و از آن‌جا مسأله جواز قیام علیه حکومت باطل در جامعه اسلامی را مطرح کرده و برخلاف اکثریت اهل سنت، بر جواز خروج علیه حاکم ظالم تأکید ورزیده است.

مودودی می‌گوید: امام ابوحنیفه انعقاد و شکل‌گیری حاکمیت از طریق قوه قهر و غلبه را باطل و غیرمشروع می‌داند و قایل است روش صحیح انعقاد خلافت، فقط با اجماع و مشورت اهل رأی حاصل می‌شود. ابوحنیفه امامت و رهبری شخص ستمگر را نیز نمی‌پذیرد و آن را نامشروع می‌داند. به نظر او، قیام علیه حکومت فاسق و ستمگر، واجب است، مشروط بر این‌که شرایط و توانمندی‌های لازم برای قیام آماده باشد و در نهایت به تغییر حاکم ظالم بینجامد؛ نه این‌که صرفاً به نابودی نیروها و توانایی‌های خودی منجر شود و بدون نتیجه پایان یابد.

در باور مودودی در قرن اول هجری، نظر اکثر بزرگان دین همین بوده و نظر ابوحنیفه شاذ نبوده است؛ از این‌رو این‌که برخی صحابه و تابعین، حضرت حسین(رض) را از قیام علیه یزید بازمی‌داشتند، به جهت تردید در نتیجه اقدام بوده، نه آن‌که اقدام حضرت حسین(رض) را نامشروع و غیرمجاز می‌شمردند. وی در این مقام می‌تأیید ضمنی و ارزیابی مثبت عملکرد ابوحنیفه و شاگردش ابویوسف، به این پرسش مهم که «اگر تلاش برای براندازی حکومت فاسق و ستمگر راه به جایی نبرد یا شرایط قیام مهیا نبود، تکلیف چیست؟» چنین جواب می‌دهد: در این صورت با حکومت فاسق و ستمگر با صبر و سکون مقابله صورت گیرد، باید دست به اصلاح‌گری زد و از هیچ کوششی دریغ نکرد، حتی اگر با سختی و مشقت همراه باشد و به‌کندی صورت گیرد.

### اجتهاد

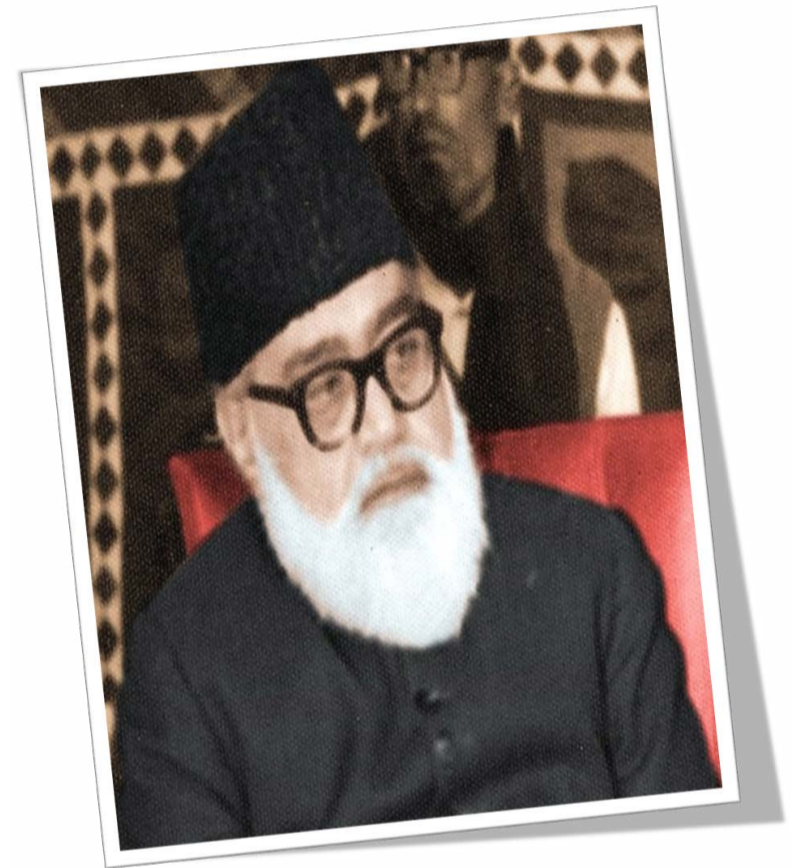
مودودی با تأثیر از ابن تیمیه و شاه‌ولی الله دهلوی و برای شکستن اندیشه جزمی تقلید و روحیه عدم پذیرش اجتهاد و نظریه‌پردازی که طی صدها سال در میان اهل سنت نهادینه شده است، بیان

می‌کند که برقراری آزادی مطلق در نظام اجتماعی انسان‌ها ممکن نیست. او در این‌باره می‌گوید: این‌که در اسلام، حق قانون‌گذاری منحصر به خداوند است و پروردگار متعال حق وضع قانون را از انسان‌ها سلب کرده، درحقیقت در راستای پاسداشت حق آزادی است، نه سلب آزادی؛ زیرا خداوند متعال می‌دانست محدودۀ علم انسان‌ها اندک است و واگذاری حق قانون‌گذاری به انسان در واقع گمراه کردن او و تیشه به ریشه انسان زدن است؛ از این‌رو خود پروردگار به جهت آگاهی کامل از چندوجوه آفریده‌ها، قانون جاودانه آنان را پی ریخت و آن را در قالب ادیان الهی برای بشر به ارمغان آورد.

وی اشاره می‌کند که با ظهور اسلام و ترویج اصل توحید، حق آزادی رأی و روحیه آزاده‌گی در مسلمانان ایجاد شد؛ اما متأسفانه با تبدیل خلافت اسلامی به امپراتوری و پادشاهی، آزادی رأی تا حدود زیادی از بین رفت و محیط اختناق و یک‌صدایی و سرکوبی مخالفان در دوران حاکمیت معاویه(رض) و با کشته شدن «حجر بن عدی» آغاز شد و سالیان متمادی ادامه پیدا کرد.

مجددان واقعی تأکید فراوان می‌کرد. سیدابوالاعلی مودودی از این جهاد اسلامی، گاهی با نام «انقلاب اسلامی» یاد می‌کند و گاهی «جهاد علمی و فرهنگی»، و معتقد است این کار یک انقلاب ذهنی، معنوی و علمی مبتنی بر الگوی تعلیم و تربیت اسلامی است که گام به‌گام تحقق می‌یابد و در حد امکان، از خشونت فیزیکی به دور است. در واقع انقلاب از دیدگاه مودودی، تغییر تدریجی بنیادین در جهان‌نجاری، ارزشی، ذهنی، روحی و معنوی تک‌تک افراد جامعه و بازسازی آن بر مبنای اندیشه‌ها و جهان‌بینی اسلامی است.

به اعتقاد مولانا مودودی، وظیفه علمای اسلام آن است که مبادی و اصول تمدن جدید را به‌خوبی بیاموزند؛ برای کسب علمی که بن‌مایه تمدن جدید به شمار می‌روند، به غرب هجرت کنند؛ نیروی فکری خویش را به کار اندازند و اکتشافات علمی و روش علمی پیشرفت تمدن غربی را فراگیرند و به‌وسیله معلومات و کشفیات تازه خویش، نظام فرهنگ و تمدن اسلام را در ضمن مبادی و اصول اسلام اصلاح کنند تا خسارت بزرگی که از ناحیه جمود فکری و عملی



براین‌اساس، ایشان یکی از انگیزه‌های قیام امام حسین(رض) را نبود آزادی در انتخاب خلیفه و نبود آزادی عقیده در دوران اختناق شدید حاکمیت یزید دانسته است

یکی از پیامدهای عمده مکتب رهایی‌بخش اسلام، اعطای آزادی به جامعه انسانی است. دین اسلام در این‌باره اصل را بر آزادی و عدم تسلط فرد بر دیگران قرار داده است؛ از این‌رو کسی حق ندارد آزادی را از هموعان خود سلب کند و آن‌ها را به برده‌گی بکشاند. مولانا مودودی در مورد حق آزادی در جامعه اسلامی بر آن است که باید انتخاب زمام‌داران در حکومت اسلامی به توده‌ها واگذار شود و آن‌ها در آزادی کامل افرادی را برگزینند که شایسته این منصب هستند؛ از این‌رو به نظر مولانا مودودی در جامعه اسلامی، احدی حق ندارد با زور و سلب آزادی بر مردم مسلط شود و اگر چنین شود، حاکمیتش هیچ‌گاه مشروع نخواهد بود. همچنین از نظر مولانا مودودی، منشای همه گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها در جوامع انسانی، رهبری حاکمان فاسق و نالایق بوده و هست و راه برون‌رفت آن، آزادی توده‌ها در انتخاب رهبران شایسته است.

### وحدت اسلامی

مولانا مودودی نگاهشته مستقلی درخصوص مسأله وحدت و انسجام مسلمانان ندارد؛ اما از سیره عملی و

ایشان بر پیکر جامعه اسلامی وارد شده، تا حدودی جبران شود.

سید ابوالاعلی مودودی در راستای احیای جهاد فکری و علمی در بسیاری از آثار خود، در صدد شناساندن ماهیت تمدن غربی - به‌ویژه مبانی فکری و نظری آن - بوده و بدین ترتیب، گاهی بسیاری از آموزه‌ها و بنیادهای فکری آن را بررسی و نقد کرده است.

### آزادی

در نگاه مولانا مودودی، حق آزادی یا حق انتخاب میان دو یا چند گزینه و تمحیل نکردن اندیشه خاص، از مواهب بزرگ الهی است که خداوند متعال آن را به انسان‌ها ارزانی کرده است و از ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی در حکومت اسلامی به شمار می‌آید؛ طوری که احدی حق ندارد آن را از کسی سلب کند.

از نظر مودودی، بزرگ‌ترین مشکل فراوی بشر درخصوص حق آزادی، سلطه انسان بر انسان یا همان برده‌گی انسان به دست انسان است که همواره بشر را رنج می‌دهد است. به تعبیر ایشان، در بین تمام مظاهر وجود، فقط انسان بوده است که ادعای الوهیت داشته و خواسته است دیگران را به برده‌گی بکشاند؛ از این‌رو احیای آزادی در نگرش مودودی، درحقیقت آزادی از یوغ برده‌گی هموعان است.

سیدابوالاعلی به‌صورت تلویحی تأیید

از لایه‌لای نوشته‌های متعددش، میزان اهتمام ایشان به مسأله وحدت و هم‌پستگی مسلمانان تا حدودی آشکار می‌شود. مولانا مودودی به اتحاد و انسجام جامعه اسلامی و عدم تزلزل در اجتماع مسلمانان عنایت ویژه داشت و بر آن بود: کسی که قدرت اجتماع مسلمانان را متزلزل کند یا به‌نحوی صدمه‌ی بر آن وارد سازد، جنایتی بس بزرگ مرتکب شده که آن را نه با اقرار به توحید می‌توان جبران کرد و نه با نماز و روزه. از این‌رو معتقد بود: اگر مسلمانی اهل نماز و روزه و امثال آن باشد، ولی به‌قدر سر مویی از حکم یک‌پارچه جماعت و اجتماع حقیقی اسلامی سرپیچی کند و در صفوف مسلمانان گسسته‌گی به وجود آورد، عمل او مستلزم جواز قتلش خواهد بود.

مولانا مودودی با یادآوری کثرت مسلمانان در سراسر گیتی و عدم یک‌پارچه‌گی آن‌ها با یکدیگر که باعث پژمرده‌گی و ضعف آنان در برابر مستکبران و خواری آن‌ها شده است، از گسسته‌گی مسلمانان شکوه می‌کند. او به این حقیقت اشاره می‌کند که اگر مسلمانان متحد شوند و هرکدام فقط یک سنگ‌ریزه پرتاب کنند، کوهی بس عظیم به وجود خواهد آمد. وی با این بیان، بر ضرورت ایجاد وحدت و هم‌پستگی هرچه بیشتر مسلمانان تأکید می‌کند.

بر اساس این نگرش، سیره عملی مودودی بر رعایت مسایل وحدت‌بخش و پرهیز از اختلاف و تفرقه مذهبی استوار شده بود. او بهتر می‌دانست که در برنامه دینی دانشگاه‌ها، حتی الامکان اختلاف‌های مذهبی راه نیابد تا نسل‌های آینده تمام فرقه‌های اسلامی، تحت مبادی و اصول مشترک اسلامی تربیت یابند.

### تفهیم القرآن

تفهیم‌القرآن، برای آگاهی و هدایت مخاطب و مردم ناآشنا به مفاهیم قرآن و با زبانی ساده و رسا نوشته شده و هدف مودودی از ترجمه و توضیحات، تأمین نظر اهل فن و تخصص نبوده تا بحث‌های آکادمیک فنی و مباحث ادبی و یا نکات بلاغت و اعجاز و احکام را مطرح سازد. او می‌خواهد خواننده را با پیام وحی آشنا سازد و در آشنایی، در زنده‌گی و رفتار آنان اثر بگذارد و منشای تحولات و حیات اجتماعی آنان گردد.

از ویژه‌گی‌های این تفسیر، عصری بودن آن است. منظور از تفسیر عصری، پذیرفتن این اصل است که تفسیر امروز باید با تفاسیر گذشته تفاوت پیدا کند و مفسر امروز به پُرکردن فاصله میان عصر نزول قرآن و عصر تفسیر تلاش نماید؛ زیرا مردم از فضایی که قرآن در آن نازل شده، بسیار فاصله گرفته و آگاهی‌های لازمی که نشان دهد چه مسایل و مشکلاتی بوده که به بیان این امور انجامیده را نمی‌دانند، و مفسر مخاطبان خود را از این دسته از مسایل باخبر می‌سازد. همین‌طور مخاطبان از اهداف و اموری که قرآن برای آن‌ها نازل شد، دور شده‌اند، مفاهیم و حقایق آن به‌تدریج از ذهن‌های‌شان محو گردیده و اصطلاحات قرآنی در نزدشان دگرگون شده است. به عبارت دیگر، فاصله زمانی از عصر نزول سبب شده تا فضایی که مسلمانان در آن زنده‌گی می‌کردند و تلقی آنان از هدف نزول قرآن و التزام عملی به آن، به‌تدریج دگرگون گشته و در پی آن، مسلمانان امروزی از فهم معنای عینی قرآن فاصله پیدا کرده‌اند.



## وزارت دفاع در واکنش به گزارش سیگار:

# با بیوه‌ها مثل عضو خانواده رفتار می‌شود

ابوبکر صدیق



سیگار یا اداره بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان گفته است که برخی بیوه‌های سربازان و افسران نیروهای نظامی افغانستان از طرف مقامات مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند. دلیلی کالر، از قول سرمفتش ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) می‌نویسد که آن‌ها از بانوانی که شوهران‌شان را در صفوف نیروهای امنیتی - دفاعی افغانستان از دست داده‌اند، وقتی که به گرفتن پول تقاعدی آن‌ها به نهادهای مسوول مراجعه می‌کنند، از طرف برخی مسوولان این نهادها مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند. اما، معاون سخنگوی وزارت دفاع ملی، در مصاحبه با روزنامه ماندگار، می‌گوید که بازمانده‌گان شهدای نیروهای امنیتی - دفاعی کشور، از ارزش ویژه در نهادهای دولتی برخوردار هستند و همه به آن‌ها ارج می‌گذارند. او می‌گوید که پول تقاعدی بازمانده‌گان شهدای نیروهای امنیتی - دفاعی کشور از طریق نهاد

موسوم به‌هزینه تقاعد پرداخته می‌شود که وزارت دفاع در آن دخیل نیست. اما، دلیلی کالر، از قول، سیگار نوشته است: فساد و سوء استفاده در لایه‌های مختلف حکومت افغانستان ریشه دوانیده است و فرهنگ معافیت در تمام نظام به شکل عادی جریان دارد. به نوشته این شبکه، سرمفتش ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان، گفته است که نیروهای آمریکایی در این کشور می‌خواهند که اعتبار مردم افغانستان را به دست بیاورند، اما در ابتدا این نیروها نیازمند به دست آوردن اعتبار نظامیان افغانستان هستند. آقای سبکو، گفته که روحیه نظامیان افغانستان در حالت بهتر نیست و با چالش تاریخی در برابر گروه تروریستی طالبان قرار دارند. هم‌چنان، دلیلی کالر، نوشته که نیروهای آمریکایی نیاز به تمرکز بیشتر روی به‌سازی و کارایی نظامیان افغانستان دارند. به نوشته دلیلی کالر، طالبان در حال حاضر به

## افغانستان د پاکستان خواب کی: کابل او دهلی د تروریزم په وړاندې گډ هدف لري



بیش از ۴۰ درصد خاک افغانستان کنترل دارند، اما نظامیان افغانستان با حضور چند هزار نظامی آمریکایی و مصرف بیش از ۷۰ میلیارد دلار هنوز موفق به تأمین امنیت این کشور نیستند. در گزارش هم‌چنان ذکر شده که فساد در رده‌های بالا از سوی شمار رهبران نیروهای دفاعی - امنیتی افغانستان، فساد در رده‌های پایین این نیروها را تقویت می‌کند. چنانچه فرهنگ معافیت در رده‌های بالای نهادهای حکومتی، فرهنگ معافیت در تمام نظام را عادی ساخته است. سیگار در این گزارش اشاره کرده است که فساد گسترده و متفاوت که شامل دست داشتن در تجارت مواد مخدر، اخذای غیض قانونی، به دست آوردن کرسی‌های بلند در بدل پول، رشوه، غصب زمین و فروش وسایط کمک شده از طرف آمریکا و ناتو حتا برای گروه‌های تروریستی است را شامل می‌شود. در همین حال، وزارت دفاع کشور این گزارش را رد نمی‌کند، اما تأکید می‌کند که با بازمانده‌گان نظامیان افغانستان در نهادهای دولتی بسان خانواده رفتار می‌شود. محمد رادمش، معاون سخنگوی وزارت دفاع می‌گوید که بازمانده‌گان نظامیان کشور از احترام خاص در تمام نهادهای امنیتی به‌ویژه وزارت دفاع برخوردار هستند. آقای رادمش با اشاره به گزارش نشر شده از طرف نهاد سیگار، گفت: پول تقاعدی قربانی‌های نیروهای امنیتی - دفاعی کشور پس از نهایی شدن پروسه اسناد آنان در وزارت دفاع، از هزینه تقاعد نهاد مسوول تقاعد پرداخته می‌شود. این درحالی است که پیش از این نیز گزارش‌هایی نشر شد که مسوولان نهاد موسوم به تقاعد با مراجعان این اداره بدرفتاری می‌کنند. آگاهان می‌گویند که فساد و واسطه بازی در نهادهای دولتی به‌ویژه در نهادهای امنیتی - دفاعی کشور سبب فرار سربازان از صفوف نیروهای امنیتی شده است.

جمهوری ریاست د افغانستان او هندوستان تر منځ د اړیکو د څرنگوالي په اړه د پاکستان د صدراعظم د څرگندونو په غبرگون وايي، افغانستان یو خپلواک هېواد دی او خپلې اړیکې د ملي گټو پر بنسټ پالي.

د ولسمشر د ویاند مرستیال دوا خان مینه پال د شنبې په ورځ ازادي راډیو ته وویل، د افغانستان د اړیکو په اړه دې څوک اندېښنه نه لري، ځکه دا اړیکې د کوم بل هېواد په زیان نه دي. ښاغلي مینه پال زیاته کړه: «افغانستان یو خپلواکه هېواد دی او له هر هېواد سره اړیکې خپلو ملي گټو ته په پام سره پالي، موږ او هندوستان د اقتصادي اړیکو تر څنګ د ترهګرۍ سره د مبارزې په برخه کې هم یو ګډ هدف لرو، ځکه ترهګري دواړو هېوادونو ته یو ګواښ دی.»

ښاغلی مینه پال وايي، له هیڅ هېواد سره هم د افغانستان اړیکې د بل هېواد په خلاف نه دي. د پاکستان سرپرست صدر اعظم شاهد خاقان عباسي په دې وروستیو کې د خپل سیال هېواد هندوستان اړیکې له افغانستان سره له زغمه وتلي بللي دي. ښاغلي عباسي د پنجشنبې په ورځ د نیویارک د بهرنیو اړیکو د شورا غونډې ته وویل، که هند غواړي له افغانستان سره اقتصادي مرستې وکړي خوښه یې، خو نه غواړو او نه یې منو چې په افغانستان کې د هند د سیاسي او یا د پوځي رول شاهدان او وسوو.

په ورته وخت کې د مشرانو جرګې یو شمېر غړي د افغانستان او هند د اړیکو د څرنگوالي په اړه د پاکستانی چارواکو څرگندونې ښکاره لاسوهنه بللې ده.

د دغې جرګې غړي جمعه الدین گیانوال ازادي راډیو ته وویل، افغان حکومت باید د دا ډول څرگندونو تر اغېز لاندې رانشي بلکې له هندوستان سره خپلې شته اړیکې لا پیاوړي کړي. نوموړي زیاته کړه:

«دا د پاکستان ښکاره مداخله ده په داسې حال کې چې افغانستان حق لري له هر هېواد سره چې دوی واغواړي نظامي، امنیتی، اقتصادي، کلتوري او په نورو برخو کې تر ټولو لاسلیک کړي او پراخې اړیکې ولري.»

دا څرگندونې داسې مهال کېږي چې د افغانستان او جنوبي اسیا لپاره د امریکا په نوې ستراتیژي کې د امریکا ولسمشر ډونالد ټرمپ په افغانستان کې د هندوستان د رول د ډېرېدو ویلي او کابل او نوي ډیلي یو له بل سره د ستراتیژیکو همکاریو تړون لري.

دغه تړون چې په ۲۰۱۱ میلادي کال کې لاسلیک شوی له مخې یې دواړه هېوادونه د پوځي همکاریو په شمول په بېلابېلو نورو برخو کې هم اړیکې جوړولی شي.

## استفاده از شبکه‌های اجتماعی در کشور قانونمند می‌شود

در زمینه رد و یا تأیید این مقررہ بحث و گفتگو کنند. وی تأکید کرد که در حال حاضر هیچ حساب کاربری شبکه‌های اجتماعی محدود و یا بسته نشده است. آقای سانچارکی اظهار داشت که آنان تلاش می‌کنند تا حساب‌هایی که بر ضد منافع ملی فعالیت می‌کنند و به حساسیت‌های قومی و سمتی دامن می‌زنند را از لحاظ محتوایی بررسی نموده و سپس درباره وضع محدودیت بر این گونه حساب‌های جعلی رایزنی خواهد کرد.

آقای سانچارکی افزود: «در مجموع هیچ اکونتی تا هنوز بسته نشده و ایجاد محدودیت نشده، خواهش ما از وزارت مخابرات و نهادهای دیگر این بوده که اجازه بدهند ما همراه نهادهای مستقل روزنامه نگاری و نهادهای مسوول بشینیم و از لحاظ محتوایی تشخیص کنیم که کدام اکونت محدود شود و بسته شود و کدام اکونت فعال باشد.» وی تأکید کرد که این روند با دقت و حساسیت مورد بحث قرار گرفته و هیچ جای نگرانی نیست.

حتی صمیمی‌ترین دوستان ترامپ از جیمز ماتیس، وزیر دفاع تا مایک پنس، معاون ترامپ لفاظی‌های تند او را نرم می‌کنند. تا به اینجا، حرف ترامپ با عملش یکسان نیست. او از معاهده تجاری بین آمریکا و اروپا بیرون آمد و با وجود انتقادهای توافقی آب و هوایی پاریس را بی اهمیت شمرد و توافقی هسته‌ای ایران را با تحریم‌های جدید انکار کرد.

با این حال ممکن است طی ماه‌های آینده تغییراتی رخ دهد همانطور که تیم ترامپ متن سخنرانی‌های او را در سازمان ملل یا در ورشو یا در ریاض به نفع استراتژی امنیت ملی رسمی تغییر دادند.»

معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ می‌گوید برخی از حساب‌های موجود در صفحه‌های اجتماعی که بر ضد منافع ملی فعالیت می‌کنند در خارج از کشور و از سوی گروه‌های تروریستی به ویژه طالبان و داعش مدیریت می‌شود. آقا حسین فاضل سانچارکی معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ در یک نشست خبری روز شنبه (اول میزان) گفت که برخی از کاربران در صفحه‌های اجتماعی مطالبی را به نشر می‌سپارند که خلاف منافع ملی بوده و بیشتر حساسیت‌های قومی و مذهبی را دامن می‌زنند.

آقای سانچارکی بیان داشت که شورای امنیت ملی فهرستی از این حساب‌ها را در اختیار وزارت اطلاعات و فرهنگ قرار داده که نشان می‌دهد اکثر آن در خارج از کشور و از سوی گروه‌های افراطی و تروریستی چون داعش و طالبان مدیریت می‌شود. آقای سانچارکی تصریح نمود: «البته یک لیست ازطرف شورای امنیت تهیه شده که در اختیار ما قرار گرفته و یک اکونت‌های است که این اکونت‌ها کاملاً معلوم و مشخص است که در خارج از افغانستان توسط گروه‌های افراطی

بالتر از همه اینها، منتقدان ترامپ این سوال را مطرح می‌کنند که آیا تاریخ به آن زمان که فلسفه بر جهان کمتر جهانی شده در اوایل ۱۹۰۰ تسلط داشت، باز می‌گردد یا نه. «بری پاول»، یکی از سیاست‌گذاران قدیمی در دولت‌های جمهوری‌خواه و دموکرات آمریکا که حالا با شورای آتلانتیک کار می‌کند، می‌گوید: حاکمیت در دوران ما به صورت بنیادین به همکاری نزدیک با سایر کشورها و نهادهای قدرتمند جهانی نیاز دارد که رییس جمهوری آمریکا آن را رد می‌کند. چنین تفکری همچنان در سخنان دیپلمات‌ها، افسران و افرادی که همانند سابق و به رغم ساکنان کنونی کاخ سفید به کار خود مشغولند، دیده می‌شود.

### دادستانی کل:

#### بررسی پرونده قوم‌گرایی در اداره امور را آغاز کردیم

دادستانی کل بررسی روی سند رهنمای قوم‌گرایانه در اداره امور ریاست جمهوری را آغاز کرد. دادستانی کل می‌گوید: این پرونده را بی‌طرفانه بررسی خواهد کرد و درباره آن تصمیم خواهد گرفت. جشید رسولی، سخنگوی دادستانی کل گفت: «همکاران ما در اداره لوی سارنوالی به بررسی این قضیه آغاز کردند و با بی‌طرفی بررسی خواهد شد.» این سند از گروه تلگرامی اداره امور از حساب ثواب الدین مخکش کارمند ارشد این اداره، به رسانه‌ها درز کرد که در آن بر گزینش قومی راهنمایی شده بود. ثواب الدین مخکش منتهم اصلی در ریختن و تلاش برای اجرایی ساختن رهنمای قوم‌گرایانه در اداره امور گفته شده اما آقای مخکش این ادعاها را رد می‌کند. ثواب الدین مخکش، کارمند پیشین اداره امور ریاست جمهوری گفت: «من خواهان پیگیری این پرونده از سوی نهاد های عدلی و قضایی هستم، تا معلوم شود که حقیقت چیست.»

به گفته حقوق دانان، بر بنیاد قانون کار، قانون مبارزه با فساد اداری و قانون جزای افغانستان، تبعیض و تلاش برای پهن کردن دامنه قوم‌گرایی جرم پنداشته می‌شود. عین الدین بهادری، یکی از حقوق دانان می‌گوید: «بر بنیاد قانون جزای افغانستان هم این عمل جرم پنداشته می‌شود و ما از تصمیم رییس جمهور در این باره ستایش می‌کنیم.» مصوبه‌ی هم برای پشتیبانی از افشاگری در اداره‌های دولتی از سوی نهاد های مدنی ریخته شده و پافشاری بر این است که اگر دولت این قانون را تصویب و توشیح کند، از آسیب‌های برخاسته از تبعیض و قوم‌گرایی در اداره‌های دولتی جلوگیری می‌شود.

### سخنرانی آتشین ترامپ...

با ایران را برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای این کشور را بی اهمیت جلوه داده اما کاخ سفید اعلام کرده که هیچ جایگزین مناسبی برای آن وجود ندارد. مقام‌های آمریکایی به صورت محرمانه تأیید کرده‌اند که هرگونه اقدام نظامی علیه کره شمالی به صورت بالقوه برای متحدانشان در کره جنوبی فاجعه آمیز است که در معرض زرادخانه تسلیحات شیمیایی پیونگ‌یانگ هستند.

«توماس رایت» از موسسه بروکینگز می‌گوید: ترامپ کسی است که هیچ برنامه‌ای ندارد. به نظر می‌رسد که او فردی ضعیف، بدون هدف و پر سر و صداست.

**فیسبوك نامه**

جاويد كوهرستاني



مسافرا! ای نستوه مرا هم‌باز، مبادت خسته‌گی و دلتنگی از خویش که ره سخت سنگستان در پیش است و اما تو تا

جاويدان

آباد خواهی رفت، مسافر ای نستوه مرا هم‌باز. و اما جناب جنرال صاحب، معاون اول ریاست جمهوری افغانستان و رهبر جنبش ملی در چند ملاقات طولانی و دوستانه چنین نظر داشتند:

ایتلاف نجات برای افغانستان برای وحدت و انسجام سیاسی و آماده‌گی برای انتخابات اعم از شورای ملی و ریاست جمهوری است. ما آن را حفظ می‌کنیم و از سایر نهادهای سیاسی، شخصیت‌ها، علما، استادان و همه دعوت می‌کنیم که بدون تعصبات سیاسی، ایدئولوژیک، قومی و زبانی باهم دست بدهیم و آینده مشترکمان را بسازیم و از رشد افراطیت و خشونت جلوگیری کنیم. ما از نظام سیاسی و حکومت وحدت ملی تا فرارسیدن انتخابات حراست می‌کنیم، اما اعتراض و انتقاد برای عدالت و اصلاحات به معنای مخالفت و براندازی نیست و این را عده‌ی غلط و ایزاری تعبیر و تفسیر می‌کنند. هرگز ایتلاف از هم نمی‌پاشد؛ با آنکه تلاش‌هایی از داخل و خارج صورت گرفته و می‌گیرد، این امر طبیعی است و من به زودی بر خواهم گشت و مسولیت‌هایم را در چارچوب حکومت وحدت ملی و به حیث معاون اول و آرزومندی میلیون‌ها شهروند انجام خواهم داد و می‌کوشیم اختلافات ما را از راه گفت‌وگوها حل کنیم. مردم ما نباید ناامید شوند و فرصت‌های یک آینده خوب را از دست دهند. این مسولیت ما است و همه فشارها را به خاطر مردم و آینده تحمل کرده‌ایم.

محمد محق



نفرت ما را به کجا خواهد برد؟

نفرت در جامعه ما به شکل عجیب و وحشتناکی موج می‌زند، نفرت با رنگ قومی، با رنگ زبانی، با رنگ سیاسی، با رنگ دینی، با رنگ طبقاتی، با رنگ حزبی، با رنگ ایدئولوژیک و با رنگ‌های ناپیدای دیگر.

سخنی که آکنده از نفرت باشد، به زودی استقبال می‌شود. کسی که مهارت بیش‌تری در نفرت‌پراکنی دارد، توجه بیش‌تری را به خود جلب می‌کند. رفتار نفرت‌آمیز و نفرت‌انگیزی می‌تواند شهرت و موقعیت به بار آورد، اما کسی که سخن از گذشت، از درک متقابل و از تعادل در رفتار بگوید، به بیهودگی و تهی‌بودگی متهم می‌شود. گسترده‌گی این پدیده تا جایی است که برای یافتن افراد پاک، افراد هنوز مبتلا نشده به نفرت، باید از میان بقیه به سختی پیدایشان کرد. اما برای مواجه شدن با افراد و اشخاص لبریز از نفرت، کافی است به دور و برتان نگاهی بیندازید، حتا در میان دوستان‌تان، همان‌هایی که فرهیخته و دانا می‌شمارید، رقم کافی به چشم شما خواهد خورد. با این حال، همه شکایت داریم که چرا این جامعه گرفتار طالب و داعش است. مگر طالب و داعش چیزی جز تجسم نفرت انباشته و توجیه شده به نام دین است؟ وقتی هیچ قوم به هیچ قوم احترام نگذارد، وقتی پیروان یک مذهب به مذهب دیگر حقی قابل نشود، وقتی اعضای یک حزب با اعضای حزب دیگر مدارا نکنند، در آن صورت حتا اگر خدا در کنار ما پاکستان و ایرانی هم نمی‌آفرید و در جهان آمریکا و اروپایی هم وجود نمی‌داشت که تقصیرها را همیشه به دوش آنان می‌اندازیم، همین میزان از نفرت کافی بود که ما را به روز سیاه بنشانند. آیا ما به راستی سزاوار طالب و داعش نیستیم؟

عصمت‌الله راغب



معاذالله دولتی قهرمان اصلاحات

پرده‌برداری‌های معاذالله دولتی منعیست کمیسیون مستقل انتخابات از عملکرد مهندسی شده در انتخابات افغانستان قابل ستایش و تشکر است. آنچه را آقای دولتی فاش کرد، در حقیقت حکایت از سرنوشت میلیون‌ها انسان است که قرار است در آینده نچندان دور، براساس آرای پاک و شفاف خود، رئیس‌جمهور مملکت و نماینده‌های‌شان را برگزینند. در این شرایط حساس خیلی به‌جا است تا نهادهای بین‌المللی ناظر بر انتخابات، نهادهای داخلی و حکومت افغانستان برای جلوگیری از گوسفندی شدن انتخابات آینده افغانستان از آقای دولتی و سایر کمیشنرانی که آگاهانه از حق قانونی‌شان مبنی بر آوردن اصلاحات در انتخابات به حاشیه برده می‌شوند، حمایت قاطع و جدی کنند، در غیر آن، خودکامه‌گی و انحصارگرایی یک تعداد از کمیشنران با تباری حامیان‌شان در حکومت، قطعاً مشروعیت انتخابات را زیر پرسش برده و مردم افغانستان را بیشتر از پیش به انتخابات پیشرو بی‌باورتر از گذشته خواهند ساخت. معاذالله دولتی و سایر همکاران‌شان که همسان حنجره‌هایی از عدالت و تحقق برابری در مقابل مهندسان دگم‌اندیش و انحصارگرا ایستاده اند، سزاوار ستایش اند. این صدای عدالت خواهی که در حقیقت حمایت از میلیون‌ها انسان رای‌دهنده در آینده است، نباید خاموش گذاشته شود. برای پایان تبعیض و تحقق اصل برابری همه باید از نهادهای مسوول تا مردم عدالت‌باور به پاه خیزند و اجازه ندهند که بار دیگر شاهد بدنام‌ترین انتخابات جهان در کشور باشیم.

**ماجرای ارتباط فرمانده سابق ارتش پاکستان با ملاعمر محمد مرادی**

ارتباط طالبان با کشورهای منطقه و فرمانطقه، موضوعی نیست که به تازه‌گی کشف شده باشد، بلکه این گروه از بدو شکل‌گیری در سال ۱۳۷۳ خورشیدی، همواره با کشورهای دور و نزدیک در ارتباط بوده که در مقاطعی از زمان، به ابزار دست بیگانه‌گان نیز تبدیل شده اند. تازه‌ترین اعتراف از ارتباط طالبان با ارتش‌های کشورهای خارجی، نوشته «اسلم بیگ» فرمانده سابق ارتش پاکستان است. او در این نوشته که در روزنامه اردوزبان «اوصاف» چاپ شده، با صراحت از ارتباط خود با ملاعمر پرده برداشته است. قبل از ورود به بحث، این نکته را باید یادآوری کنم که یکی از مهارت‌های سازمان‌های نظامی و اطلاعاتی پاکستان برای پیشبرد اهداف خود، استفاده از بازنشسته‌گان نظامی و اطلاعاتی این کشور، برای ارتباط با گروه‌ها و جریان‌های تروریستی در جهان است. ارتش و اطلاعات پاکستان با دو هدف از بازنشسته‌گان خود استفاده می‌کند که هدف نخست، تبحر و تجربه کهنه‌کاران پاکستانی در تحقق اهداف مورد نظر است. هدف بعدی، باز بودن دست بازنشسته‌گان در انجام وظایف محوله است، زیرا آنان در ظاهر، سمت رسمی ندارند و بدون این‌که ارتش و اطلاعات پاکستان مورد انتقاد کشورها و نهادهای بین‌المللی قرار بگیرد، کارهای‌شان را به خوبی انجام دهند. البته این هدف، اکنون کارایی خود را از دست داده، زیرا همه می‌دانند که در حال حاضر، نامنی در منطقه زیر سر پاکستان است.

قصه این‌که میرزا اسلم بیگ، «نصیرالله بابر»، «راحیل شریف»، «پرویز مشرف»، «جنرال یوسف» و «جنرال حمیدگل»، از مشهورترین این افراد هستند که همواره در جهت اهداف ارتش و سازمان اطلاعات پاکستان یا «آی.اس.آی» قدم برداشته اند. البته تا چند سال پیش، دو نفر دیگر نیز خدمات زیادی را برای سازمان اطلاعات پاکستان در راستای حمایت از تروریسم منطقه‌ای و بین‌المللی انجام دادند. این دو نفر «خالد خواجه» و «کرنل امام» نام داشتند. آنان شش سال پیش در جریان یک معامله که توسط آی.اس.آی مأموریت یافته بودند، نخست توسط یک گروه از طالبان پاکستانی خارج از کنترل آی.اس.آی، به گروگان گرفته شدند و سپس به قتل رسیدند.

به هر حال، اسلم بیگ از همان افرادی است که در دو دهه گذشته، هیچ‌گاه از حمایت طالبان افغانستان دریغ نکرده است. فرمانده سابق ارتش پاکستان، همواره در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش، طالبان را مجاهدان برحق در افغانستان می‌داند که به گفته او، برای آزادی کشورشان از اشغال می‌جنگند. اسلم بیگ در نوشته اخیر خود، ضمن این‌که طالبان را پیروز جنگ افغانستان خوانده، مؤثر بودن حملات انتحاری این گروه را با اسلحه استینگر مقایسه کرده و آن را بهترین ابزار در افغانستان دانسته است. او در همین نوشته، از ارتباط خود با ملاعمر رهبر سابق طالبان نیز سخن گفته و برقراری این رابطه را چنین شرح داده است:

«امریکا ریچارد آرمیتاج، نماینده خود را نزد من فرستاد تا راهی برای مذاکره با مجاهدان [طالبان] افغانستان پیدا کنم. من با ملاعمر ارتباط برقرار کردم و او یک گروه ۵ نفره را برای مذاکرات تعیین کرد، اما توطیه‌یی در واشنگتن صورت گرفت و به آرمیتاج دستور داده شد که مأموریت خود را متوقف کند.»

این بخش از نوشته میرزا اسلم بیگ، به صراحت نشان می‌دهد که فرماندهان ارشد طالبان از جمله رهبر این گروه، همیشه در دسترس نهادهای امنیتی و اطلاعاتی پاکستان قرار داشته و دارند. جالب است که ارتباط اسلم بیگ با ملاعمر، به سال‌های قبل از ۲۰۱۰ برمی‌گردد. ملاعمر در آن سال‌ها، «قطره آب در ریگزار»ی بود که حتا بسیاری‌ها فکر می‌کردند، شخصی به اسم ملاعمر وجود خارجی ندارد، اما همان‌طور که میرزا اسلم بیگ اعتراف کرده، رهبر طالبان در دسترس ارتش و سازمان اطلاعات پاکستان قرار داشته که به راحتی می‌توانستند با او ارتباط برقرار کنند. در اخیر یادداشت‌م، این نکته را هم اضافه کنم که اسلم بیگ در نوشته خود، کرنل امام و خالد خواجه را از افسران آی.اس.آی دانسته که توسط امریکا به قتل رسیدند.

**عملکرد ورزشکاران افغانستان در سومین روز مسابقات داخل سالون آسیا**

**در سومین روز مسابقات داخل سالون آسیا**



ورزشکاران افغانستان در سومین روز مسابقات ورزش‌های آسیایی توانستند مدل‌های مختلفی به دست بیاورند.

**کشتی**

ورزشکاران افغانستان در روز سوم این بازی‌ها موفق به پیشروی هستند. در این روز در رشته کشتی کمربندی نظیر احمدی حسینی در رقابت اول ورزشکار ازبکستان را شکست داد، در دومین مسابقه توانست حریف از تاجکستان را ببرد و اما در «نیمه‌نهایی» نتوانست که ورزشکار ترکمنستانی را ببرد و به مدال برنز بسنده کرد.

**بیلیارد**

در بخش بلیارد، زمیری حساس در اولین بازی‌اش از بلیاردباز قطری باخت، نادر روحانی از ورزشکار فلیپینی شکست خورد، اما محمد رییس خان سینزی، توانست حریف از کشور فلیپین را ۵ بر ۲ شکست بدهد و صالح محمد محمدی به سختی توانست ورزشکار اردن را ۵ بر ۴ ببرد.

با این نتیجه، محمد رییس خان سینزی در مرحله حذفی فرد باید مقابل «یان بنگتاو» از چین رقابت کند و در صورت پیروزی به جمع ۸ بهترین یا «کوآرتز فاینل» این بازی‌ها راه پیدا خواهد کرد. صالح محمد محمدی هم در مرحله ۱۶ بهترین با ورزشکار از فلیپین مقابل شده است و در صورت پیروزی به فینال راه خواهد یافت.

**فوتسال**

تیم ملی فوتسال کشور در سومین بازی‌اش در مقابل تیم پُر قدرت فوتسال ترکمنستان قرار می‌گیرد. ملی‌پوشان فوتسال افغانستان در دو دیدار قبلی تیم‌های چین و مالدیور را با نتایج مشابه ۶ بر ۱ شکست داده است و هرگاه این دیدار را ببرد صعودش به مرحله حذفی قطعی شد.

در بخش اتلتیک داخل سالون هم در دوش ۶۰ متر مردان و در هیت یا گروه پنجم شمس‌الدین شمو مغلوب شد. در دوش ۸۰۰ متر مردان، صمیم یاری در هیت اول باخت و در جایگاه اخیر ایستاد و در دوش ۴۰۰ متر مردان، پرویز سراجی مغلوب شد. در رشته جوجیستو مرتظی حسین با یک پیروزی مقابل تاجکستانی و یک باخت در برابر امارات توانست مدال به دست بیاورد.

**موی‌تای**

در رشته موی‌تای، زهره رضایی توانست هموطن‌اش راضیه حسینی را ببرد و به نیمه‌نهایی رسد. این موی‌تای‌کار افغانستان در مقابل کایسوا از ترکمنستان قرار می‌گیرد و در صورت پیروزی، به فاینل این وزن راه پیدا خواهد کرد. هم‌چنان حیات‌الله خیری در بازی اول خودش توانست رسول رسول، ترکمنستانی را در روند اول ضربه فنی کرده و به نیمه‌نهایی راه یابد. او در نیمه‌نهایی قرار است امروز با محمد الباری از اردن وارد رینگ مسابقات شود. در صورت پیروزی به فینال وزن ۸۶ کیلوگرم راه پیدا خواهد کرد.

**تکواندو**

اما تکواندوکاران افغانستان هم شانس برای به دست آوردن مدال نداشتند. آنان مانند بازی‌های کشورهای اسلامی با قرعه‌های سخت مواجه شدند. در وزن ۵۳ کیلوگرم شکره احمدی از ورزشکار چین باخت و حذف شد. سمیه غلامی از ورزشکار تایلند شکست را پذیرفت و در وزن ۸۷ کیلوگرم، عبدالولی از ورزشکار فلیپین باخت و از مسابقات کنار رفت، اما احمد علی بخشی در وزن ۶۳ کیلوگرم در ابتدا فلیپین را ۵ بر ۴ برد و در بازی بعدی از تایلند باخت و حذف شد.

در این وزن دیگر نماینده افغانستان حکمت‌الله نورانی بود که در رقابت نخست توانست تکواندوکار گوام را ۲۰ بر ۱۰ ببرد، اما در ادامه از حریف پُر قدرت ایرانی باخت و نتوانست که مدال کسب کند. قرار است امروز ۵ تکواندوکار دیگر افغانستان مقابل حریفان به میدان بروند که محسن رضایی در وزن ۵۸ کیلوگرم در برابر تکواندو کار فلسطین دیدار می‌کند.

محمود حیدری نیز در مقابل تکواندوکار از کوره رقابت خواهد کرد. نیلا احمدی در وزن ۴۹ کیلوگرم مقابل ورزشکار از استرالیا مقابل می‌شود و کفایت‌الله غیائی در وزن ۸۰ کیلوگرم با تکواندوکار ایرانی بازی خواهد کرد. هم‌چنان رامش حسینی با تکواندوکاری از اردن مقابله می‌کند.

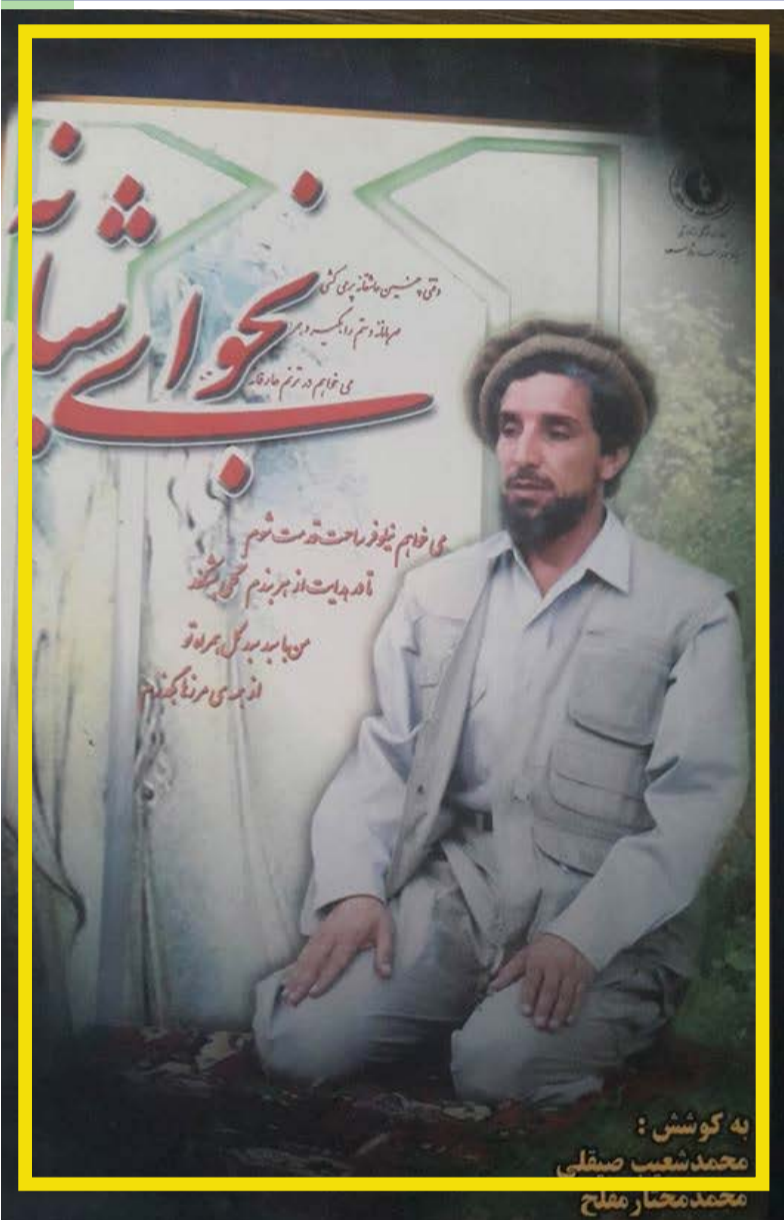


# Mandegar

## ۱۸ نجوای شبانه



هارون مجیدی



را به زیور تعبد و تعهد به اسلام آراسته بود. او لحظه‌ی یاد خدا را فراموش نمی‌کرد، نمازخوانی و تعلق به مسایل دینی با پوست و استخوانش عجین شده بود. آنانی که او را در حال نماز و راز و نیاز دیده اند، می‌دانند که او با خدای خود چگونه رابطه داشت. آنانی که دست‌های به دعا بلندشده او را دیده‌اند، می‌دانند که او با آفریدگار خود چگونه خلوت می‌کرد.

عبدالرشید، ژورنالیست و نظریه‌پرداز معروف پاکستان در مورد تدین و خداجویی مسعود می‌گوید: «احمدشاه مسعود هدایت جنگ را در وقت نماز کنار می‌گذارد و سپس در اوج غرش گلوله‌ها در سکوت عمیق روحی غرق می‌شود». بلی، مسعود علاوه بر پابندی به نمازهای فرضی، علاقه شدیدی به نوافل و تهجد در دل شب‌ها داشت، سیاهی شب سجاده عبادتش بود و تا واپسی لحظه‌های شب غرق دریای نیایش می‌بود و استخوان‌هایش جبین نازنینش را به آستان الهی می‌سایید و کرنش شبانه او لشکر اطمینان و آرامش برایش فراهم می‌کرد.

اما این فرزند با وفای اسلام با آن‌همه تعبدش به خدا و با آن‌همه فداکاری نسبت به اسلام و جهاد، چنان آماج تهمت‌های ناآگاهان قرار گرفته بود که بسیاری از مردم تا لحظه‌های حتما پس از شهادتش نه تنها او را به این صفات نمی‌شناسد، بلکه خلاف آن را در باره او می‌پندارند. این در حالی است که آشنایان و معاشران مسعود و کسانی که از نزدیک او را می‌شناختند، از این همه ناسپاسی‌ها و قدر ناشناسی‌ها رنج می‌برند.

کرده اند. شناسه «نجوای شبانه» را با نقل برشی از مقاله سیدناصر تقدسی که «ویژه‌گی‌ها و صفات بارز قهرمان ملی کشور» را بیان کرده، به پایان می‌برم.

**تدوین، تفکر و تعهد**  
نخستین خصوصیت برادر شهید احمدشاه مسعود، دین‌داری، خداجویی، تعهد، تفکر و وفا به ارزش‌های اسلامی-انسانی است. این واژه‌های زیبا و دل‌انگیز زمانی می‌تواند برای یک انسان شخصیت‌ساز و فضیلت‌آفرین باشند که تمام این عناصر با هم پیوند بخورد و در شکل یک واحد انفکاک‌ناپذیر در وجود یک انسان تظاهر نماید. فضل و دانش اگر تفکر اصیل اسلامی را در خود نداشته باشد، بی‌ارزش است و این دو اگر به زیور تعبد و خداجویی آراسته نباشند، ابتر و بی‌خاصیت خواهند بود. بسیار اند کسانی که فضل و دانش دارند، اما فضل‌شان را در خدمت تفکر بیگانه‌گان معرض قرار داده اند؛ لذا از مجموعه علم و اندیشه و دید سیاسی‌شان چیزی جز وابستگی نصیب آن‌ها و جامعه‌شان نمی‌شود. بسیار اند کسانی که فضل دارند و اهل تفکر نیز می‌باشند، ولی از تدوین و تعهد بهره‌ی ندارند و در نتیجه، علم و اندیشه و سیاست‌شان به خدمت غیر خدا و مردم به کار گرفته می‌شود، اما اگر با ائتلاف و اتحاد همه این نیروها شخصیتی به وجود بیاید، بدون تردید شخصی مؤثر و کارآمد خواهد بود.

برادر شهیدمان احمدشاه مسعود از همین شاخصه بزرگ بر خوردار بود، او نیروی دانش و مدیریت سیاسی و نظامی‌اش را با تفکر اصیل اسلامی آمیخته بود و این دوا

مجموعه مقالات «نجوای شبانه»، کار مشترکی از محمد شعیب صیقلی و محمد مختار مفلح می‌باشد و در سال ۱۳۸۳ خورشیدی از نشانی بنیاد شهید مسعود به نشر رسیده است.

این مجموعه که شامل مقالاتی پیرامون شخصیت و کارنامه شهید احمدشاه مسعود است، در دو هزار نسخه و ۱۰۶ برگ چاپ شده است.

اوضاع منطقه، جهان و کشور آن روزی که مسعود به آن پا گذاشت، مسعود چهره اصیل و نماد راستین انقلاب اسلامی افغانستان، شهید احمدشاه مسعود چرا دیر شناخته شد؟ مسعود و مردمش، مسعود در تراکم رنج‌ها، شهید احمدشاه مسعود درس همیشه‌گی آزادی و اسلام‌گرایی، شهید احمدشاه مسعود الگوی اسلام‌خواهی و اعتدال‌پسندی، مسعود و نهضت اسلامی، مسعود بزرگ بزرگ‌تر از برداشت و جفا به آرمان مسعود، عنوان‌های شماری از مقالات این مجموعه اند.

مقالات «نجوای شبانه» توسط محمد مختار مفلح، محمد شعیب صیقلی، سید نورالله عماد، استاد فاضل، فضل کریم ایماق، قره‌بیک ایزدیار، بسم‌الله محمدی، فریدون افراسیابی، سیدناصر تقدسی، سیدمخدوم رهین، عبدالصبور فخری، سید اسلام‌الدین دهنمکی، عنایت‌الله شاداب و عبدالاحد هادف نوشته شده و پیش از نشر در یک مجموعه، مجلات فکر و عصر این مقالات را به نشر رسانده اند. گردآورنده‌گان مجموعه مقالات «نجوای شبانه» هدف از این کارشان را رساندن خاطرات، برداشت‌های یاران شهید مسعود از او و معرفی واقعی قهرمان ملی کشور به نسل جوان افغانستان عنوان

### سخنرانی آتشین ترامپ در سازمان ملل و تلاش برای بازنگری درباره نقش امریکا

فراتر از یک دوره ریاست جمهوری باقی بماند. اما همچنین بازگو کننده یک تاثیر مدام از ایده‌های ناسیونالیستی در داخل کاخ سفید به ریاست ترامپ است که حتی پس از رفتن استیو بنن، استراتژیست ارشدش باقی مانده است. این سخنرانی همچنین تاثیر مدام مشاورانی چون «استفن میلر» را نشان داد که نقش ارزنده‌ای را در تدوین این سخنرانی ایفا کرد و به نظر می‌رسد که جا پای «بن رودز»، مشاور باراک اوباما، رییس جمهوری سابق امریکا گذاشته؛ رودز کسی است که بر متن سخنرانی‌های باراک اوباما نظارت می‌کرد. اما روند سیاست خارجی واشنگتن، به مجموعه‌ای از تناقضات اشاره دارد که علامت سوالی را در مقابل هرگونه انسجام در سخنرانی ترامپ می‌گذارد. ترامپ با تاکید بر این که امریکا دیگر دموکراسی سازی نمی‌کند، خواستار دموکراسی برای ایران و ونزوئلا شد! مردی بدون برنامه؟ ترامپ توافق اتمی...

معا و نان ترا مپ می گویند درخواست وی برای یک «کشور» قوی فی نفسه انکار چندجانبه‌گرایی نیست بلکه بیشتر انکار جهانی‌سازی است که خواسته مردم را در نظر نمی‌گیرد. و حالا متحدان امریکا با این حس تکراری رها شده‌اند که «نخست امریکا» به معنای «امریکای تنها» است. ترامپ گفته است: در امریکا، ما به دنبال اعمال راه و روش زندگی به هیچ کس نیستیم و به جایش می‌گذاریم این راه و روش به عنوان مثالی برای هرکسی که می‌خواهد ببینند، بدرخشند. مشاوران ارشد ترامپ این سخنرانی را «بسیار فلسفی» دانسته‌اند که یک چهارچوب روشنفکرانه برای دیدگاه بلندمدت و جهانی رییس جمهور ایجاد می‌کند. برای کاخ سفید، این ایده یک اقدام مقابله‌ای مفید برای منتقدانی است که می‌گویند ترامپ هیچ شعور عقلانی ندارد و آغازگر ایجاد یک ایدئولوژی است که می‌تواند

قطعاً این چیزی نبود که کسی از ۴۴ رییس جمهوری پیشین امریکا انتظار داشته باشد و بیشتر بیانگر استابلی نوین از رهبری امریکا در عرصه جهانی است. لغظاتی ترامپ که کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی را «مرد موشکی به دنبال خودکشی» توصیف کرده باعث شد تا حامیانش در خانه به تشویق پردازند اما متحدانش در سراسر جهان را دچار سردرگمی کرده است. ترامپ جدا از استایل دعوی‌اش، تغییری در اصل و اساس را خواستار شد و به وضوح گفت که می‌خواهد زمان را به دوره پدیدآیی قوانین جهانی و نهادهای بین‌المللی در نیم قرن گذشته و اولویت جایگاه «کشور» بازگرداند. ترامپ در اظهاراتش ۲۱ بار از واژه‌های «اقتدار» و «تمامیت» استفاده کرد؛ این واژه‌ها اکثراً توسط چین برای رد کردن انتقادات درباره سرکوب‌های داخلی یا توسط روسیه برای جلوگیری از مداخله امریکا در امور داخلی‌اش استفاده می‌شود.



خوانده و یکی دیگر گفته که سخنرانی ترامپ شبیه به سخنرانی «محور شرارت» جورج دبلیو بوش، رییس جمهوری پیشین امریکا بود. اما به عقیده اکثریت، نخستین سخنرانی ترامپ پشت تریبون مرمرین سبز رنگ مجمع عمومی همان چیزی بود که شما می‌توانید از یک تاجر بی‌رحم و برهم زنده هنجارها انتظار داشته باشید که حالا به یک سیاستمدار بدل شده است.

«نخستین سخنرانی دونالد ترامپ به عنوان رییس جمهوری امریکا در سازمان ملل گرچه با لحن آتشین و تهدید آمیزش به خاطر سپرده خواهد شد اما با این حال تا حدودی بیانگر دکترین او در تغییر جایگاه امریکا در جهان نیز بود.» خبرگزاری فرانسه در گزارشی درباره سخنرانی ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل نوشته است: «یکی از ناظران، این سخنرانی را یک «توفان ۴۲ دقیقه‌ای تویییتی»